

سال سیزدهم  
شماره ۳۵۰۵  
چهارشنبه  
۳ جدی ۱۳۹۹  
۲۳ دسامبر ۲۰۲۰  
قیمت: ۲۰۰ افغانی

# صبح ۸

روایت دیروز آئینه امروز نوید فردا



آن گونه که یاری می‌کنی  
یاری می‌شوی



سال مالی ۱۳۹۹؛

## وزارت مالیه ۱۷۴ میلیارد افغانی عواید ملی جمع‌آوری کرده است



هم‌زمان با پایان سال مالی، وزارت مالیه می‌گوید که با وجود بحران کرونا، توانسته است ۱۷۴ میلیارد افغانی را از عواید ملی جمع‌آوری کند. به گفته مسوولان این وزارت، رشد اقتصادی کشور برای سال ۱۳۹۹ حدود ۴.۳ درصد تعیین شده بود، اما شیوع ویروس کرونا سبب کاهش در این آمار شده است. با این حال وزارت مالیه تصریح می‌کند که تلاش کرده است تا با جلب کمک‌ها، تاثیرات منفی کرونا را به حداقل برساند. مسوولان می‌گویند که در جریان سال گذشته مالی، برنامه‌های الکترونیک‌سازی روند قیمت‌گذاری گمرکات، وصل سیستم‌ها با بانک مرکزی، ایجاد بورد حل منازعات مالیاتی و نصب سیستم هوشمند گمرکی را عملی کرده‌اند. این در حالی است که براساس برنامه‌ریزی‌ها، قرار است این وزارت همه بست‌های خالی و پیشنهادی‌اش را به تدریج به رقابت آزاد بگذارد.

۳



ماه خونین کابل؛

## در یک ماه اخیر ۳۳ تن کشته و ۱۳۰ تن زخمی شده‌اند

۳

## چرخش روایت طالبان؛ حفظ دلبسته‌گی جنگ جویان

۴

## صلح افغانستان؛ کلید توسعه منطقه

تاجیکستان مشترکات فرهنگی و تاریخی فراوان با افغانستان دارد. زبان مشترک، فرهنگ مشترک، تاریخ مشترک و مرز مشترک از مواردی است که می‌تواند در ایجاد روابط میان دو کشور تاثیرگذاری چشم‌گیری داشته باشد. بر اساس رویکرد جهانی شدن و منطقه‌گرایی، موارد یادشده، زمینه‌ساز هم‌گرایی و هم‌کاری‌های سازنده در سطوح مختلف است.

۴



## حوادث ترافیکی در هرات؛ ۲۰۱ کشته و ۷۶۲۸ زخمی در نه ماه



آمار شفاخانه حوزه‌های هرات نشان می‌دهد که از آغاز سال روان خورشیدی در این ولایت بیش‌تر از هفت هزار تن به دنبال وقوع حوادث ترافیکی زخمی شده و بیش از ۲۰۰ تن دیگر جان باخته‌اند. افزایش آمار تلفات رویدادهای ترافیکی، نگرانی مقام‌های صحنی را در پی داشته است. براساس معلومات آمريت «هرات امبولانس»...

۷

## دیدار عبدالله با امام‌علی رحمان؛ صلح در افغانستان به معنای صلح در تاجیکستان، منطقه و فرامنطقه است



او افزود که تاجیکستان دوست و متحد افغانستان است و از تلاش‌های صلح در این کشور حمایت می‌کند. رییس جمهور تاجیکستان ابراز امیدواری کرده است که تلاش‌های صلح با رهبری رییس شورای عالی مصالحه ملی به پیروزی برسد. در همین حال عبدالله عبدالله نیز گفت که روابط میان دو کشور بر اساس ارزش‌ها و مشترکات تاریخی، فرهنگی و دینی دیرینه استوار است. آقای عبدالله نقش تاجیکستان در روند صلح و اجماع منطقه‌ای را مهم خواند و افزود، دولت افغانستان برای رسیدن به صلح پایدار، عادلانه، باعزت و با حفظ ارزش‌های جمهوری متعهد است. رییس شورای عالی مصالحه ملی از افزایش خشونت‌ها در کشور ابراز نگرانی کرد و از گروه طالبان خواسته است که جنگ و خشونت‌ها را متوقف کند. گفتنی است که آقای عبدالله پیش از این به کشورهای ترکیه، پاکستان، ایران، هند و ازبیکستان نیز سفر کرده است. هدف این سفرها، تقویت اجماع منطقه‌ای برای صلح عنوان شده است.

روابط ریشه در همسایگی، مشترکات تاریخی، فرهنگی و دینی دارد. آقای رحمان گفت که افغانستان، تاجیکستان و منطقه از دهشت‌افگنی، افراط‌گرایی و بی‌ثباتی متضرر شده‌اند و صلح و ثبات در افغانستان زمینه‌ساز گسترش و توسعه‌ی تجارتي و ترانزیتی میان دو کشور، منطقه و اتصال آسیای مرکزی به جنوب آسیا را فراهم می‌کند.

۸صبح، کابل: امام‌علی رحمان، رییس جمهور تاجیکستان گفته است که صلح و ثبات در افغانستان به معنای صلح و ثبات در تاجیکستان، منطقه و فرامنطقه است. رییس جمهور تاجیکستان روز سه‌شنبه، دوم جدی در دیدار با عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه ملی، افغانستان را از دوستان و متحدان نزدیک تاجیکستان خواند و تاکید کرد که این

## پنج نفر در انفجار ماین مقناطیسی در کابل جان باختند

۸صبح، کابل: پولیس کابل می‌گوید که در نتیجه انفجار ماین در مربوطات ناحیه هفتم شهر کابل، پنج تن کشته و دو تن دیگر زخمی شدند. فردوس فرامرزی، سخنگوی پولیس کابل به روزنامه ۸صبح گفت که این انفجار حوالی ساعت ۷:۳۰ دقیقه صبح روز سه‌شنبه، دوم جدی در منطقه «دوغ‌آباد» رخ داده است. او افزود که در این انفجار، پنج تن به شمول چهار داکتر زندان بل‌چرخ کشته و دو تن دیگر زخمی شدند. گفتنی است که در جریان روزهای اخیر، میزان انفجارها در شهر کابل افزایش یافته است. دو روز پیش نیز موتر حامل خان محمد وردک، عضو مجلس نمایندگان هدف قرار گرفت که در نتیجه نه تن کشته و نزدیک به ۵۰ تن دیگر زخم برداشتند.



#آریانا\_از\_شماست



آریانا افغان هوایی شرکت  
ARIANA AFGHAN AIRLINES

انتقال مریضان با خدمات ویژه  
به کشور هندوستان

شنبه دو شنبه پنج شنبه

KABUL - DELHI DEP: 10:00 AM Local Time ARR: 01:00 PM Local Time  
DELHI - KABUL DEP: 02:30 PM Local Time ARR: 03:30 PM Local Time

1333 | 790 07 1333 | flyariana.com | 1333





## خبرنگاران مصونیت می خواهند

موج تازه خبرنگارکشی در کشور نگران کننده است. دولت برای مهار این موج باید جدی تر وارد اقدام شود. کوتاهی در این زمینه قابل بخشش نیست.

ترور زنجیره‌ای اخیر خبرنگاران و فعالان رسانه‌ای، حدود یک‌ونیم ماه پیش از کابل آغاز شد. دامنه این موج تا ننگرهار، هلمند و غزنی نیز رسیده است. اگر مهار نشود، ممکن است ولایات دیگر نیز شاهد ترور و قتل خبرنگاران و فعالان رسانه‌ای باشند.

در یک‌ونیم ماه گذشته، هفت خبرنگار و فعال رسانه‌ای در کشور دچار مرگ مرموز و یا ترور و کشته شده‌اند. از این میان مرگ سه تن آن‌ها مرموز است. چهار تن آن‌ها به صورت هدفمند ترور شده‌اند.

از شروع سال جاری میلادی تاکنون چهارده خبرنگار و فعال رسانه‌ای به شکل مرموز و هدفمند، ترور و به قتل رسیده‌اند. هفت مورد از این ترورها و قتل‌ها تنها در یک‌ونیم ماه گذشته اتفاق افتاده است.

این میزان بلند قتل و ترور خبرنگاران بسیار تکان دهنده است. هیچ‌گاه خبرنگاران تا این اندازه در معرض تهدید نبوده‌اند؛ به جز در مواردی که به صورت دسته‌جمعی هدف حملات تروریستی واقع شده‌اند.

دولت متأسفانه تاکنون سر نخ اصلی این زنجیره کشتار را به دست نیاورده است. گروه‌های داعش و طالبان که قبلاً مسوولیت کشتار خبرنگاران را به دوش می‌گرفتند، در یک‌ونیم ماه گذشته از دست‌داشتن در آن انکار کرده‌اند.

در حال حاضر این پرسش‌ها مطرح است که آیا گروه تازه‌ای ظهور کرده است که قصد دارد با خبرنگارکشی به سطح بیاید؟ این گروه چرا برای ابراز وجود از کشتار خبرنگاران آغاز کرده است؟ آیا پشت این قتل‌ها و ترورها، کشورهای محل صلح قرار دارند؟ آیا پشت آن‌ها چیست و چرا باید با خبرنگارکشی به دنبال آن باشند؟ متأسفانه تمام این پرسش‌ها تاکنون پاسخی ندارد. تحقیقات دولت هم تاکنون گره کور این معما را نگشوده است. موج تازه خبرنگارکشی بسیار خطرناک است. این موج را باید جدی گرفت. عوامل پشت پرده این کشتارها را باید شناسایی کرد. هرگونه غفلت در این زمینه می‌تواند به گسترش دامنه این موج کمک کند.

خبرنگاران و نهادهای رسانه‌ای به هیچ یک از طرف‌های درگیر جنگ وابسته نیستند. آن‌ها بی‌طرف‌ترین صنف این جامعه‌اند. توازن و انصاف در خبررسانی و گزارش‌دهی برای آن‌ها از اصول خدشه‌ناپذیر اطلاع‌رسانی است. از این رو، هدف قراردادن کارکنان و فعالان رسانه‌ای در هیچ قاعده و قاموسی مجاز نیست.

دولت مسوولیت دارد تا عوامل پشت پرده این ترورها و قتل‌ها را شناسایی کند. هم‌چنان برای جلوگیری از ادامه این زنجیره کشتار وارد اقدام شود و برای مهار آن برنامه قابل اجرا طرح کند. در کنار دولت افغانستان، جامعه جهانی نیز تنها نظاگر این وضعیت نباشد. باید برای مهار این موج تازه با دولت افغانستان کمک کند.

کار و فعالیت در فضای ناروشن و مبهم کنونی برای خبرنگاران دشوار خواهد بود. تدابیر شخصی خبرنگاران و فعالان رسانه‌ای هم کمک موثری برای مصونیت آن‌ها نخواهد کرد. از این رو، تأمین امنیت خبرنگاران و فعالان رسانه‌ای به یک برنامه بزرگ‌تر نیاز دارد که تنها دولت قادر است از عهده اجرای آن به صورت بهتر بیرون شود.

روش خبرنگارکشی موجود نسبت به گذشته متفاوت است. در گذشته عمدتاً خبرنگاران به صورت دسته‌جمعی هدف حمله واقع می‌شدند. در یک‌ونیم ماه گذشته این کار با روش ترور انفرادی دنبال شده است. بنابراین، روش مهار این پدیده نیز باید بازتعریف شود.

حمله به خبرنگاران، حمله به آزادی بیان و مهم‌ترین دست‌آورد دولت در دو دهه پسین است. مردم افغانستان به رسانه‌ها به عنوان سرمایه خود نگاه می‌کنند و به وجود آن‌ها نیاز دارند. حفظ رسانه‌ها و مراقبت از خبرنگاران باید در اولویت برنامه‌های دولت باشد. جامعه رسانه‌ای افغانستان به صورت جدی منتظر است که دولت از خبرنگاران به عنوان سربازان عرصه اطلاع‌رسانی مراقبت کند. این کار اما تنها با شعار ممکن نیست. دولت باید روی برنامه‌های قابل اجرا فکر کند و برای صیانت از آزادی بیان و حفظ جان خبرنگاران هرچه زودتر وارد اقدام شود. اگر در این زمینه تأخیر و تعلل صورت گیرد، ممکن است عواقب جبران‌ناپذیری در پی داشته باشد. این یک هشدار جدی است و باید جدی گرفته شود.

## انفجار در فاریاب؛

### دهها غیرنظامی در زیر آوار گیر مانده‌اند



**۸ صبح، کابل:** مقام‌های محلی در ولایت فاریاب می‌گویند که گروه طالبان یک موتر مملو از مواد منفجره را در بازار ولسوالی دولت‌آباد منفجر کردند که در نتیجه آن دهها منزل تخریب و دهها غیرنظامی زیر آوار گیر مانده‌اند.

نقیبالله فایق، ولی ولایت فاریاب در صحبت با روزنامه ۸ صبح گفت که این حمله حوالي ساعت ۱۲:۳۰ دقیقه شب گذشته با استفاده از یک موتر نوع «هاموی» مملو از مواد منفجره انجام شده است.

او افزود که در این موتر یک هزار و ۵۰۰ کیلوگرام مواد منفجره جاسازی شده بود و پس از انفجار، خسارات هنگفت مالی و جانی به جا گذاشته است.

به گفته والی فاریاب، در نتیجه این انفجار دهها منزل مسکونی تخریب شده و دهها غیرنظامی نیز زیر آوار شده‌اند.

او گفت که راه‌های مواصلاتی با این ولسوالی مسدود است و باشندگان محل در تلاش‌اند تا اجساد قربانیان این رویداد را از زیر آوار بیرون کنند.

## چهار تن در یک درگیری در پروان کشته شدند



**۸ صبح، پروان:** منابع امنیتی ولایت پروان می‌گویند که در یک درگیری مسلحانه در این ولایت چهار تن کشته و چهار تن دیگر زخمی شده‌اند.

محمدسلیم نوری، فرمانده پولیس ولایت پروان روز سه‌شنبه، دوم جدی به روزنامه ۸ صبح گفت که این درگیری مسلحانه به دلیل نزاع بر سر یک دوکان صورت گرفته است.

او افزود که این دوکان در منطقه «خلزهای»، از

## امریکا بر دوام همکاری‌هایش با نیروهای امنیتی تاکید کرد

**۸ صبح، کابل:** جنرال مک کنزی، قوماندان مرکزی ایالات متحده امریکا در دیدار با رییس جمهور غنی بر دوام همکاری‌های این کشور با نیروهای امنیتی افغان تاکید کرده است.

در اعلامیه‌ای که روز دوشنبه، یکم جدی از سوی ارگ ریاست جمهوری به نشر شد، آمده است که رییس جمهور غنی با فرمانده مرکزی ایالات متحده امریکا دیدار کرده است.

در این دیدار که در ارگ ریاست جمهوری انجام شده، امرالله صالح معاون اول رییس جمهور، لوی درستیز وزارت دفاع ملی، رییس عمومی اداره امور، قوماندان عمومی ماموریت حمایت

در این دیدار که در ارگ ریاست جمهوری انجام شده، امرالله صالح معاون اول رییس جمهور، لوی درستیز وزارت دفاع ملی، رییس عمومی اداره امور، قوماندان عمومی ماموریت حمایت

امریکا بر دوام همکاری‌هایش با نیروهای امنیتی تاکید کرد. قاطع و شارژدافیر سفارت ایالات متحده امریکا حضور داشته‌اند. براساس اعلامیه ارگ ریاست جمهوری، در این نشست هر دو جانب در مورد روند صلح و حمایت از نیروهای امنیتی و دفاعی کشور گفت‌وگو کردند. در این دیدار جنرال مک کنزی بار دیگر تعهد دوام‌دار ایالات متحده امریکا را در راستای حمایت از نیروهای امنیتی و دفاعی افغان اعلام کرد.

مک کنزی گفته است که ایالات متحده امریکا همکاری‌های دوام‌دارش با نیروهای امنیتی افغانستان را ادامه می‌دهد. گفتنی است که ایالات متحده امریکا پس از امضای توافق‌نامه صلح با امریکا، تعداد نیروهایش را در افغانستان کاهش داده است. طبق اعلام کاخ سفید، قرار است که شمار نیروهای امریکایی در افغانستان را به دو هزار ۵۰۰ تن کاهش دهد.



## اسماعیل خان: آتش‌بس فوری برقرار شود

**۸ صبح، هرات:** محمداسماعیل خان، عضو رهبری جمعیت اسلامی و رهبر جهادی در غرب کشور، خواهان برقراری آتش‌بس فوری در کشور است. او روز سه‌شنبه، دوم جدی، در نشست مشورتی با مردم برای ایجاد صلح، از آنان خواست تا در کنار دولت بایستند و از پایداری نظام کنونی حمایت کنند.

او هم‌چنان خواهان کاهش خشونت، برقراری صلح و حفظ ارزش‌ها و دست‌آورد‌های دو دهه اخیر در کشور شد و برقراری صلح را به سود کشورهای همسایه نیز عنوان کرد. به باور این رهبر جهادی، آمدن صلح در افغانستان شرایط را برای صلح منطقه‌ای فراهم می‌کند که کشورهای همسایه نیز از آن بهره می‌برند.

به گفته او، در تداوم خشونت‌ها، کشور دچار مشکلات زیادی خواهد شد و برای مردم نیز مشکلات تازه‌ای را به میان خواهد آمد. وی باور دارد که اگر هیات‌های دولت و طالبان به آتش‌بس تن دهند، باید مکانیزم ورود طالبان در سطح شهرها مشخص شود.

این سایت‌گر کشور پافشاری دارد که اراده قوی برای صلح در طرف‌های مذاکرات دیده نمی‌شود، اما هیات‌های دو طرف باید به خواست مردم که برقراری صلح و آتش‌بس فوری است، تن دهند.

محمداسماعیل خان می‌گوید که اگر صلح تأمین نشود و طرف‌های مذاکره بر سر برقراری آن به توافق نرسند، دفاع از سرزمین و حفظ نظام کنونی مسوولت عموم مردم است و او «برای حفظ ارزش‌ها و آرامش کشور»، رهبری گروه‌های مردمی را به دوش می‌گیرد و در مقابل طالبان می‌ایستد.

## موج دوم ویروس کرونا؛

### ثبت ۲۰۱ مورد جدید ابتلا و مرگ ۱۶ تن در شبانه‌روز گذشته

**۸ صبح، کابل:** وزارت صحت عامه اعلام کرد که در شبانه‌روز گذشته ۱۶ بیمار کرونایی در کشور جان باخته‌اند.

طبق اعلام این وزارت، در ۲۴ ساعت گذشته ۲۰۱ مورد تازه ابتلا به ویروس کرونا در کشور شناسایی شده‌اند.

این آمار در ولایت‌های کابل، هرات، قندهار، تخار، بغلان، پروان، دایکندی، لوگر، بدخشان، پنجشیر و ارزگان به ثبت رسیده است. این نتیجه از آزمایش یک هزار و ۶۳۶ نمونه‌ی مشکوک به کرونا به دست آمده است.

در شبانه‌روز گذشته ۸۳ بیمار کرونایی در کشور بهبود یافته‌اند.

با ثبت این رقم، شمار کل بیماران کرونایی به ۵۱ هزار و ۸۹ تن رسیده است.

از این میان، ۳۹ هزار و ۷۸۴ تن بهبود یافته و دو هزار و یک تن دیگر جان باخته‌اند.

در حال حاضر، هشت هزار و ۴۹۰ بیمار کرونایی در کشور فعال هستند.

وزارت صحت عامه تاکنون ۱۸۴ هزار و ۲۳۵ نمونه‌ی مشکوک به کرونا را بررسی کرده است. میزان ابتلا به کرونا و مرگ‌ومیر ناشی از آن در روزهای اخیر افزایش یافته است.

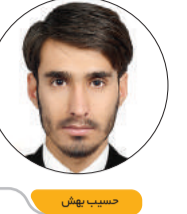
شیوع موج دوم ویروس کرونا در کشور در ۲۸ عقرب تأیید شد.

محمداشرف غنی، رییس جمهور مدیریت مبارزه با موج دوم ویروس کرونا را بر عهده گرفته است.



# ماه خونین کابل؛ در یک ماه اخیر ۳۳ تن کشته و ۱۳۰ تن زخمی شده‌اند

پایتخت‌نشینان این روزها صبح‌شان را با صدای انفجار آغاز می‌کنند. براساس آمارها، در جریان یک ماه گذشته بیش از ۳۰ تن در نتیجه انفجارها در پایتخت کشته و ۱۳۰ تن دیگر زخمی شده‌اند.



این آمار در نتیجه بیش از ۱۰ انفجار و دو حمله راکتی در پایتخت ثبت شده است. این در حالی است که پولیس توانسته در جریان یک ماه اخیر نزدیک به ۱۵ ماین جاسازی شده را خنثا کند. در این مدت هم‌چنان هشت نفر به جرم دست داشتن در حملات تروریستی بازداشت و دو تن کشته شده‌اند. بدین ترتیب در جریان یک ماه گذشته هر روز حداقل یک تن در نتیجه انفجارها کشته شده و چهار تن دیگر زخمی شده‌اند. این حملات به گروه‌های طالبان، حقانی و داعش نسبت داده شده است. وزارت امور داخله می‌گوید که دلیل افزایش این انفجارها، تغییرات در روش جنگی طالبان است. معاونت اول ریاست جمهوری نیز تصریح می‌کند که گروه طالبان اکنون با تشکیل هسته‌های کوچک، حملاتش را در شهر کابل سازمان‌دهی می‌کند. این در حالی است که طالبان پیش‌تر دست داشتن‌شان در برخی از حملات خونین پایتخت را رد کرده‌اند.

طالبان در جنگ‌های هلمند و قندهار عنوان می‌کنند. او می‌افزاید که علاوه بر طالبان و گروه حقانی که به عنوان زیرشاخه آن عمل می‌کند، گروه داعش نیز تحرکاتی داشته و حتا از کودکان ۱۲ سال برای کارهای استخباراتی در کابل استفاده کرده است. به گفته سخنگوی وزارت امور داخله، پولیس در جریان ماه‌های اخیر توانسته است برخی از موترهای مملو از مواد انفجاری و پناه‌گاه مشترک گروه‌های داعش و حقانی را در ولسوالی شکرده کابل کشف کند. با این حال آیین تصریح می‌کند که هنوز شبکه‌های تروریستی در کابل مهار نشده‌اند و افراد به شکل پراکنده استخدام می‌شوند.

معاونت اول ریاست جمهوری نیز تصریح می‌کند که حملات هم‌چنان ادامه یافته و خاستگاه آن تصویر بزرگ جنگ است. ام‌الله صالح، معاون اول ریاست جمهوری، روز سه‌شنبه، دوم جدی، پس از برگزاری نشست ۶:۳۰ صبح گفت که تاکتیک طالبان در حال حاضر، ساخت هسته‌های کوچک سه نفری و پنج نفری است. وی افزود، زمانی که یک هسته از میان می‌رود، این گروه هسته‌های دومی و سومی را فعال می‌سازد. به گفته آقای صالح، طالبان ۵۰۰ جنگ‌جو را پس از توافق با امریکا، برای انفجارها تعلیم داده و در هسته‌های کوچک به شهرهای کلان فرستاده‌اند. او دلیل این کار را تفسیر طالبان از توافق‌نامه دوحه می‌خواند، زیرا به گفته معاون اول ریاست جمهوری، طالبان می‌خواهند «بیش‌تر بکشند و بیش‌تر امتیاز بگیرند». او اما گفته که تا کنون شمار زیادی از این جنگ‌جویان طالبان، کشته یا بازداشت شده‌اند.

## طالبان برای اجرای حملات در پایتخت هسته‌های کوچک تشکیل داده‌اند

وزارت امور داخله دلیل انفجارهای ادامه‌دار در پایتخت را تغییر در روش حملات گروه طالبان می‌خواند. طارق آربین، سخنگوی وزارت امور داخله، روز سه‌شنبه، دوم جدی، به روزنامه ۸ صبح گفت که اعضای گروه طالبان در سطح پایتخت به گروه‌های کوچک تقسیم شده‌اند و به گونه پراکنده عمل می‌کنند. او گفت که در گذشته با بازداشت برخی از اعضای این گروه، زمینه برای بازداشت سایر هم‌دستان‌شان فراهم می‌شد، اما اکنون این شیوه تغییر کرده است. با این حال، آقای آربین گفت که نیروهای امنیتی نیز رویکردشان برای کشف این شبکه‌ها را تغییر داده و آن را تقویت بخشیده‌اند. به گفته آربین، هرچند نهادهای کشفی اکنون ساحات مشکوک را زیر نظر دارند و بازداشت اعضای گروه‌های تروریستی را ادامه داده‌اند، اما گروه طالبان نیز تلاش‌هایش برای ناامنی کابل را بیش‌تر ساخته است. طارق آربین دلیل افزایش این تلاش‌ها را شکست

شهر کابل با وجود افزایش تلاش‌ها برای تامین امنیت آن، شاهد انفجارهای دوام‌دار در یک ماه اخیر بوده است. آمارهایی که نهادهای امنیتی نشر کرده‌اند، نشان می‌دهد که دست‌کم ۳۳ تن در جریان یک ماه اخیر در انفجار ماین و حمله راکتی کشته شده‌اند. افزون بر این، ۱۳۰ غیرنظامی در این جریان زخمی شده‌اند. این آمارها از یکم ماه قوس تا یکم ماه جدی ثبت شده است. این در حالی است که در جریان ماه عقرب، ۳۵ تن کشته و چندین تن دیگر زخمی شده بودند. آمارهای وزارت صحت عامه نیز نشان می‌دهد که در جریان دو ماه اخیر، بیش از ۶۰ تن کشته و بیش از ۱۷۰ تن در کابل زخمی شده‌اند.

این انفجارها در حالی سازمان‌دهی می‌شود که پولیس توانسته است برخی از مواد انفجاری جاسازی شده را کشف و خنثا کند. براساس آمارهای پولیس کابل، ۱۶ ماین به شمول ماین‌ها بوشکه‌ای در جریان ماه گذشته خنثا شده است. در این میان، یک مورد حمله انتحاری در ولسوالی پغمان نیز صورت گرفت، اما به دلیل نرسیدن فرد به هدف، تنها یک کشته برجای گذاشت. هم‌چنان در جریان یک ماه گذشته هشت تن در جریان عملیات کشفی پولیس بازداشت و دو تن دیگر کشته شده‌اند.

گفتنی است که با وجود اجرایی شدن طرح میثاق امنیتی، برگزاری نشست ۶:۳۰ صبح و تغییر فرمان‌دهی پولیس کابل، مردم هم‌چنان از ناامنی در شهر کابل شکایت دارند و می‌گویند که شمار انفجار ماین چسبکی افزایش یافته است. این در حالی است که کابل پس از آغاز کار نشست ۶:۳۰ صبح، دو بار شاهد راکت‌پراکنی بود که در نتیجه آن بیش از ۱۰ تن کشته و بیش از ۵۰ تن دیگر زخمی شدند.

## سال مالی ۱۳۹۹؛

# وزارت مالیه ۱۷۴ میلیارد افغانی عواید ملی جمع‌آوری کرده است

۸ صبح، کابل

هم‌چنان افزود که میزان عواید ملی جمع‌آوری شده در مقایسه با میزان تخمین شده نیز تفاوتی اندک دارد. او گفت که نصب سیستم‌های جامع الکترونیک در منابع عایداتی، تعدیل برخی از قوانین در هماهنگی با سکتور خصوصی، ساده‌سازی روندها و معرفی اظهارنامه الکترونیک، تکمیل روند پرداخت‌های الکترونیک و دریافت ۲۰ میلیون دالر امریکایی به عنوان وجه تشویقی از بانک جهانی، وصل سیستم «اسیکود» با سیستم «ای‌آر‌یو»، امضای تفاهم‌نامه تشریک معلومات گمرکی با پاکستان و ایجاد بورد حل منازعاتی از دیگر گام‌های این وزارت در سال گذشته مالی بوده است.

پیش‌بینی شده بود، اما تاثیرات منفی کرونا بر منطقه و جهان سبب شد که این میزان کاهش یابد. او افزود که وزارت مالیه تلاش کرده است تا با جلب کمک‌های جهانی برای مبارزه با این ویروس، تاثیرات منفی آن را به کم‌ترین حد برساند. به گفته آقای زدران، با وجود شرایط اضطراری بحران کرونا، ۸۳ درصد بودجه انکشافی و ۹۰ درصد بودجه عملیاتی در جریان سال مالی گذشته مصرف شده است. او تصریح کرد که این وزارت با وجود مشکلات توانسته است که همه تخصیص‌ها را اجرا کند و اکنون نیز ۳۰ میلیارد افغانی را به عنوان «پول ریزرف» در خزانه دولت نگه داشته است. به گفته مسوولان در وزارت مالیه، قرار است از این پول سال آینده در «بخش‌های مهم» استفاده شود.

که این عواید به ۱۷۷ میلیارد افغانی کاهش یابد. بدین ترتیب عواید ملی در حال حاضر حدود ۴۰ درصد بودجه سال مالی ۱۴۰۰ را تشکیل می‌دهد. بودجه پیشنهادی حکومت در سند بودجه سال مالی ۱۴۰۰، حدود ۴۵۲ میلیارد افغانی است. این وزارت هم‌چنان از مجلس خواست که این سند را نیز هرچه زودتر تصویب کند. در همین حال، وزارت مالیه می‌گوید که رشد اقتصادی کشور هم‌زمان با شیوع ویروس کرونا، کاهش یافته است. عبدالحبیب زدران، معین مالی این وزارت، گفته که رشد اقتصادی در شروع سال مالی ۱۳۹۹ حدود ۴,۳ درصد

هم‌زمان با پایان سال مالی، وزارت مالیه می‌گوید که با وجود بحران کرونا، توانسته است ۱۷۴ میلیارد افغانی را از عواید ملی جمع‌آوری کند. به گفته مسوولان این وزارت، رشد اقتصادی کشور برای سال ۱۳۹۹ حدود ۴,۳ درصد تعیین شده بود، اما شیوع ویروس کرونا سبب کاهش در این آمار شده است. با این حال وزارت مالیه تصریح می‌کند که تلاش کرده است تا با جلب کمک‌ها، تاثیرات منفی کرونا را به حداقل برساند. مسوولان می‌گویند که در جریان سال گذشته مالی، برنامه‌های الکترونیک‌سازی روند قیمت‌گذاری گمرکات، وصل سیستم‌ها با بانک مرکزی، ایجاد بورد حل منازعات مالیاتی و نصب سیستم هوشمند گمرکی را عملی کرده‌اند. این در حالی است که براساس برنامه‌ریزی‌ها، قرار است این وزارت همه بست‌های خالی و پیشنهادهایش را به تدریج به رقابت آزاد بگذارد. پیش‌تر استخدام‌های غیرقانونی از سوی افراد زورمند در بست‌های گمرکات، جنجالی شده بود.

به گفته مسوولان، وزارت مالیه توانسته در جریان سال گذشته مالی روند طی مراحل تدارکاتی ابزارهای ردیاب را تسریع بخشد و افزون بر این، ۲۰ پایه ترازوی دیجیتالی در ده گمرک سرحدی و ۲۲۰ پایه کمره نظارتی را در گمرکات ولایتی نصب و فعال کند. وزارت مالیه از این اقدامات به عنوان «عمده‌ترین اصلاحات و تدابیر جلوگیری از فساد در گمرکات» یاد می‌کند. این در حالی است که به گفته مسوولان، قرار است همه بست‌های خالی وزارت مالیه به تدریج اعلام شود تا داوطلبان بتوانند از طریق رقابت آزاد استخدام شوند. این وزارت می‌گوید که تاکنون ۲۲۰ بست مقطع ورودی، ۲۱ بست عالی‌رتبه، ۷۷ بست عالی‌رتبه گمرکات و ۷۷ بست رتبه سوم و چهارم را به اعلام سپرده است و برای برخی از آن‌ها، نامزدان موفق استخدام شده‌اند. گفتنی است که پیش از این، استخدام‌های غیرقانونی در بست‌های گمرکات جنجالی شده بود.

وزارت مالیه هم‌چنان می‌گوید که توانسته است سقف مورد توقع صندوق بین‌المللی پول در جمع‌آوری عواید ملی را تکمیل کند. مجیب‌الرحمان شیرزاد، معین عواید و گمرکات این وزارت، گفت که سقف پیشنهادی ۱۷۳ میلیون بود، اما این وزارت با جمع‌آوری ۱۷۴ میلیارد افغانی، توانسته است حد معیاری را تکمیل کند. وی



گفتنی است که سال مالی ۱۳۹۹ روز یک‌شنبه، سی‌ام قوس، پایان یافت. وزارت مالیه اما سند بودجه ملی سال مالی ۱۴۰۰ را در هفدهم قوس به مجلس نماینده‌گان ارایه کرد. در این سند، ۴۵۲ میلیارد افغانی برای یک سال مالی پیش‌بینی شده است. از این میان، ۲۹۵ میلیارد افغانی برای بودجه عادی و ۱۵۶ میلیارد افغانی برای بودجه انکشافی اختصاص یافته است. قرار است این سند روز چهارشنبه هفته آینده در نشست عمومی مجلس به رای‌گیری گذاشته شود.

## صلح افغانستان؛

# کلید توسعه منطقه



### نقش تاجیکستان در روند صلح افغانستان

موفقیت صلح افغانستان بسته‌گی به دو جنبه داخلی و بیرونی دارد. بُعد داخلی بر نگرش، رویه و رفتار حکومت، احزاب سیاسی، جریان‌های تأثیرگذار اجتماعی - مدنی، سیاست‌گران، شخصیت‌های با نفوذ و شهروندان کشور استوار است. اما بُعد خارجی به حمایت و روایت کشورهای منطقه و قدرت‌های بزرگ جهانی بسته‌گی دارد. در این یادداشت به بُعد داخلی این مسأله پرداخته نمی‌شود؛ بلکه تلاش می‌شود تا اندکی نقش کشورهای منطقه، به‌ویژه تاجیکستان در صلح افغانستان بررسی شود.

تاجیکستان به عنوان یک همسایه افغانستان، می‌تواند نقش موثر در روند صلح افغانستان داشته باشد. داکتر عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه ملی با درک این موضوع، دوشنبه، اول جدی، وارد شهر دوشنبه، پایتخت تاجیکستان شد. این سفر در ادامه سلسله سفرهای رییس شورای عالی مصالحه ملی برای اجماع منطقه‌ای و جهانی در حمایت از صلح صورت گرفته است. اکنون این سوال پیش می‌آید که آیا سفرهای رییس شورای عالی مصالحه ملی برای جلب حمایت‌های منطقه‌ای می‌تواند اجماع منطقه‌ای را در رابطه به صلح افغانستان به وجود بیاورد؟ نقش و تأثیر تاجیکستان در صلح افغانستان چیست؟

تاجیکستان مشترکات فرهنگی و تاریخی فراوان با افغانستان دارد. زبان مشترک، فرهنگ مشترک، تاریخ

### تاجیکستان مشترکات فرهنگی

#### و تاریخی فراوان با افغانستان

#### دارد. زبان مشترک، فرهنگ

#### مشترک، تاریخ مشترک و مرز

#### مشترک از مواردی است که

#### می‌تواند در ایجاد روابط میان دو

#### کشور تأثیرگذاری چشم‌گیری

#### داشته باشد. بر اساس روی‌کرد

#### جهانی‌شدن و منطقه‌گرایی، موارد

#### یادشده، زمینه‌ساز هم‌گرایی و

#### هم‌کاری‌های سازنده در سطوح

#### مختلف است. از طرف دیگر این

#### مشترکات هم‌زمان می‌تواند

#### تبدیل به تهدید برای دو طرف

#### شود. لذا وضعیت حاکم بر هر

#### کشور، تأثیرگذار بر وضعیت

#### کشور دیگر است.

می‌شود که امریکا بتواند نفوذ موثر بر آسیای میانه داشته باشد؛ آن‌چه که روسیه، چین، ایران و... مخالف آن است.

دولت افغانستان از متحدان نزدیک امریکا در منطقه است. حضور و سطح روابط گسترده امریکا با افغانستان، بیان‌گر تأثیرگذاری امریکا بر مناسبات افغانستان و منطقه است. اگر امریکا بخواهد بر آسیای میانه نفوذ موثر داشته باشد، این کار از راه گسترش ارزش‌های دموکراتیک و رونق بیش‌تر بازار آزاد فراهم می‌شود.

گسترش ارزش‌های دموکراتیک و ثبات در منطقه، به نفع کشورهای منطقه و قدرت‌های بزرگ جهانی است. البته رقابت میان قدرت‌های بزرگ برای تسلط بر منابع بزرگ نفت و گاز، بسترهای مهم تجارت و ترانزیت، گاهی فرصت دست‌یافتن به ثبات را نامقدور می‌سازد. زیرا روایت و تلقی را که کشورهای بزرگ جهانی و هم‌پیمانان منطقه‌ای آنان دارند، جهت‌های مخالف به هم را می‌پیمایند. اما تداوم جنگ و ادامه بحران در افغانستان، سال‌ها است که زمینه گسترش روابط بزرگ تجارتي - ترانزیتی، اقتصادی و فرهنگی را محدود ساخته است.

دو دهه پسین، فرصت خوب برای توسعه روابط گسترده اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، تجارتي و ترانزیتی میان کشورهای منطقه بود؛ اما با توجه به رقابت کشورهای بزرگ جهانی و تأثیرگذاری آنان بر کشورهای منطقه، این روابط چندان گسترش نیافت و توسعه و هم‌گرایی سازنده‌ای شکل نگرفت. هرچند مناسبات افغانستان و

مشترک و مرز مشترک از مواردی است که می‌تواند در ایجاد روابط میان دو کشور تأثیرگذاری چشم‌گیری داشته باشد. بر اساس روی‌کرد جهانی‌شدن و منطقه‌گرایی، موارد یادشده، زمینه‌ساز هم‌گرایی و هم‌کاری‌های سازنده در سطوح مختلف است. از طرف دیگر این مشترکات هم‌زمان می‌تواند تبدیل به تهدید برای دو طرف شود. لذا وضعیت حاکم بر هر کشور، تأثیرگذار بر وضعیت کشور دیگر است.

### اهمیت منطقه‌ای تاجیکستان

تاجیکستان در آسیای میانه اهمیت استراتژیک برای روسیه دارد. روسیه به عنوان قدرت ضد هم‌مون، مخالفت و رقابت جدی با امریکا دارد. حضور گسترده امریکا در افغانستان و مشترکات یادشده میان تاجیکستان و افغانستان، زمینه رقابت بیش‌تر را برای دو بازی‌گر بزرگ جهانی، یعنی امریکا و روسیه فراهم می‌کند. از این رهگذر تاجیکستان برای روسیه و افغانستان برای امریکا اهمیت دارد. مشترکات دو کشور می‌تواند، افزون بر روابط افغانستان و تاجیکستان، بر روابط امریکا و روسیه نیز تأثیرگذار باشد.

در بحث تجارت و ترانزیت جهانی، آسیای میانه به عنوان کانون نفت و گاز جهان، برای غرب، به‌ویژه امریکا اهمیت فراوان و حیاتی دارد. امریکا به عنوان تنها قطب جهانی رویای تسلط بر منابع بزرگ نفت و گاز جهان را در سر دارد. تحقق این رویا زمانی میسر

## چرخش روایت طالبان؛

# حفظ دلبسته‌گی جنگ‌جویان

شکیب احمد نظری

بخش چهارم و پایانی

مخاطبان موافق، مخالف و خنثای گروه طالبان با دریافت پیام‌های این گروه واکنش‌های متفاوت دارند. موافقان به ادامه تبلیغ کمک می‌کنند، مخالفان واکنش نشان می‌دهند و افراد خنثا هر دو طرف را تحلیل ذهنی می‌کنند و سپس فعالیت را انجام می‌دهند که گاهی خلاف تحلیل اطلاعاتی دو طرف قرار می‌گیرد. طرف موافق علاقه به ادامه تبلیغات در اذهان عمومی دارد و مخالف در پی ضد تبلیغ آن است؛ ولی خنثا همه را متعجب می‌سازد و بعضی وقت‌ها در ادامه تبلیغات کمک می‌کند. بحث مخاطب‌شناسی گروه طالبان در این نوشته جا ندارد؛ بلکه یک اشاره به آن است.

همان‌طوری که در بخش‌های قبلی این نوشته شرح داده شد؛ روایت بیان داستان، توضیح یک مطلب و حتا باورهای یک گروه است. هم‌چنان گفته شد که گروه طالبان با چه ابزار تبلیغاتی به روایت‌هایشان پرداخت، حتا تغییر روایت الخندق به الفتح چقدر راحت و بدون کاهش جنگ‌جویان این گروه تاکنون ادامه یافت و برای تقویت آن همه روزه تمام بسته‌های تبلیغاتی‌شان منظم و پیوسته در فضای اطلاعاتی منتشر می‌شود.

اکنون که نزدیک به دو سال از تغییر روایت طالبان می‌گذرد، تمام بسته‌های تبلیغاتی این گروه تغییر داده شده است. در گذشته، ادعای طالبان مبنی بر پیوستن نیروهای امنیتی افغان به صفوف‌شان متفاوت بود. این گروه با نشر یک بسته تبلیغاتی که در آن تنها یک متن و تصویر شخص مشاهده می‌شد، ادعا می‌کرد که نیروی امنیتی افغانستان به جمع‌شان پیوسته است. در این اواخر اما این برگه تبلیغاتی

**مخاطبان موافق، مخالف و خنثای گروه طالبان با دریافت پیام‌های این گروه واکنش‌های متفاوت دارند. موافقان به ادامه تبلیغ کمک می‌کنند، مخالفان واکنش نشان می‌دهند و افراد خنثا هر دو طرف را تحلیل ذهنی می‌کنند و سپس فعالیت را انجام می‌دهند که گاهی خلاف تحلیل اطلاعاتی دو طرف قرار می‌گیرد. طرف موافق علاقه به ادامه تبلیغات در اذهان عمومی دارد و مخالف در پی ضد تبلیغ آن است؛ ولی خنثا همه را متعجب می‌سازد و بعضی وقت‌ها در ادامه تبلیغات کمک می‌کند.**

تغییر کرده است. در شیوه جدید، در قدم نخست تمرکز مبلغان گروه طالبان بر خبرنگاران است و می‌خواهند آنان را تحت تأثیر قرار دهند.

تبلیغ‌کننده‌گان گروه طالبان دو نوع اند. یک طیف از آن‌ها موادهای خام را از مناطق تهیه و بدون تدوین در فضای اطلاعاتی پرتاب می‌کنند و نوع دوم آن‌ها موادهای دست اول استدیوهای تولید کالاهای تبلیغاتی گروه طالبان که مشمول استدیو الاماره، الجهاد و الهجرت است را به گونه انحصاری در رسانه‌های اجتماعی مربوط شان نشر و پخش می‌کنند. در گذشته تصویرهای جنگ‌جویان طالبان که از مراکز نظامی فارغ می‌شدند با یک زیرنویس انتشار می‌یافت؛ ولی اکنون در قالب روایت الفتح این تبلیغات تغییر کرده است و به شکل گرافیک با متن‌های درشت با پس‌زمینه‌های سبز روشن و رنگ سینمایی با شات‌بندی‌هایی که در سناریوهایشان طرح‌ریزی شده است، به نشر می‌رسد. این تغییرات نشان می‌دهد که این گروه همواره در پی انتشار مواد بهتر تبلیغاتی برای تمام مخاطبان‌شان است. البته در بخش تولید، آن‌ها با چرخه تولید آشنایی بیش‌تر ندارند؛ بلکه تمام مراحل تهیه و تدوین را به

شکل آماتور تنظیم و تنها افرادی که این ویدیوهای خام را به ویدیوی پخته تبدیل می‌کنند، می‌دانند که کدام صحنه را در کدام قسمت جابه‌جا کنند تا برای مخاطبان‌شان قابل پذیرش باشد.

در تاریخ ۱۰ حمل ۱۳۹۹، گروه طالبان یک بسته تبلیغاتی را نشر کرد. در این بسته، مواد بهداشتی، بیلبوردهای حاوی توصیه‌های بهداشتی و یک میل سلاح نوع پیکا به تصویر کشیده شده بود. در کنار این موارد، در آن بسته تبلیغاتی، کارمندان صحنی و ۲ جنگ‌جوی مجهز با سلاح نوع کلاشینکوف نیز دیده می‌شدند که برای مردم قندز در مورد وپروس کرونا معلومات و آگاهی‌دهی می‌کردند. این بخش را یکی از کمیسیون‌های گروه طالبان به‌نام کمیسیون امور فرهنگی و صحنی آن دنبال می‌کرد. البته پس از آن در تمام برنامه‌های فرهنگی که از سوی کمیسیون‌های مختلف گروه طالبان دایر می‌شود، کوشش صورت می‌گیرد تا هیچ تصویری از ابزارهای جنگی به نمایش گذاشته نشود. اکنون تمرکز طالبان در مواد تبلیغاتی‌شان، روی رهبران محلی و حتا ملی این گروه است تا از آنان برای اجرای پروپاگاندا و ضد تبلیغ در برابر حکومت افغانستان استفاده کنند.

ملک مبارز

کشورهای منطقه نسبتاً بهتر شده است. بحث صلح افغانستان اما فرصت خوب برای ثبات منطقه است. ثباتی که متضمن توسعه پایدار منطقه و گسترش روابط در سطوح مختلف میان کشورهای به هم پیوسته است. لذا تاجیکستان به عنوان یک بازی‌گر در آسیای میانه که رابطه حسنه با روسیه دارد، می‌تواند در روند صلح افغانستان موثر واقع شود.

### تروریسم؛ تهدید مشترک افغانستان و تاجیکستان

تاجیکستان به عنوان کشوری که مرز مشترک با افغانستان دارد، از تداوم جنگ و ناامنی در این کشور متأثر می‌شود. گسترش فعالیت‌های طالبان و داعش در مناطق شمال افغانستان، تهدید جدی و چالش‌زا برای تاجیکستان به حساب می‌آید. توسعه فکری - فرهنگی در تاجیکستان به حدی نیست که این کشور بتواند از دام پهن‌شده توسط داعش، نجات یابد. با توجه به وضعیت فکری - فرهنگی حاکم بر آسیای میانه و رشد نه‌چندان خوب دموکراسی در این منطقه، میزان آسیب‌پذیری تاجیکستان در برابر داعش و دیگر گروه‌های افراطی بالا است. چنان‌که گروه‌های افراطی از کشورهای آسیای میانه و تاجیکستان، عضویت داعش و دیگر گروه‌های تروریستی را دارند. لذا ادامه ناامنی‌ها در افغانستان، می‌تواند چالش جدی برای تاجیکستان به حساب آید.

اگر پروسه صلح افغانستان موفق شود، این خطر از تاجیکستان نیز منتفی می‌شود. در غیر آن تبعات منفی بر تاجیکستان و به تبع بر روسیه خواهد گذاشت. از این رهگذر تاجیکستان می‌باید در روند صلح افغانستان هم‌کاری جدی کند و برای تسهیل روابط افغانستان و روسیه درباره صلح افغانستان نیز موثر واقع خواهد شد.

### الگوی صلح تاجیکستان

تاجیکستان حدود دو و نیم دهه پیش نیز درگیر جنگ‌های داخلی بود. در آن زمان افغانستان نیز درگیر جنگ و نابسامانی بود. علی‌رغم آن با تلاش‌های جدی و صادقانه دولت اسلامی افغانستان و شخص برهان‌الدین ربانی، رییس جمهور وقت و احمدشاه مسعود، به جنگ تاجیکستان نقطه پایان گذاشته شد. این یک نمونه خوب برای طرف‌های درگیر جنگ و کشورهای منطقه است. زیرا بدون صلح، ثبات و رفاه برقرار نمی‌شود و تداوم جنگ و ناامنی، تأثیرات ناگوار بر منطقه در تمام سطوح می‌گذارد. لذا کشورهای منطقه و همین‌گونه تاجیکستان در صلح افغانستان می‌تواند نقش موثر و مهم بازی کند.



با توجه به آن‌چه گفته آمدیم، تبلیغات گروه طالبان با تغییر شیوه همراه بوده است. مطالب تبلیغاتی این گروه در قالب روایت «الفتح» آن‌قدر به زبان ساده نگاشته و تبلیغ می‌شود که برای عموم گمراه‌کننده است.

چرخش روایت طالبان از الخندق به الفتح با وجود آن‌که در میان جنگ‌جویان این گروه موفقتان بود؛ در حقیقت امر آسیب‌پذیری‌هایی فراوان دارد که از آن جمله سیاسی‌بودن این روایت است. می‌توان با کشیدن خط فاصل، میان رهبران این گروه و جنگ‌جویان‌شان فاصله ایجاد کرد. ایجاد خط فاصل و گسست در میان نیروهای طالبان، کلید موفقیت هیأت گفت‌وگوکننده دولت افغانستان در دوحه است. این بر دولت افغانستان است که این فاصله را با نگاه عمیق و دقیق پررنگ و افکار عامه را از ماهیت واقعی این گروه آگاه کند.



+93) 700 175 510 / +93) 788 788 799

جهت سفارش آگهی‌تان با شماره‌های روبه‌رو در تماس شوید:

سال سیزدهم  
قیمت: ۲۰ افغانی

روزنامه ۸ صبح برای توسعه کسب و کارتان صفحه‌ی ویژه تبلیغات ایجاد کرد. روزنامه ۸ صبح به هدف کمک و حمایت از توسعه مشاغل و تجارت، تبلیغات شما را با هزینه کم‌تر و کیفیت بهتر نشر می‌کند. این روزنامه یک صفحه‌ی ویژه تبلیغاتی را به همین منظور راه‌اندازی کرده است. در این صفحه‌ی ویژه به تناسب استطاعت شما فضا وجود دارد. ما با داشتن تیراژ بلند در نسخه‌ی چاپی و مخاطبان حداکثری در پایگاه‌های مجازی‌مان آماده همکاری با مشاغل و کسب‌وکارهای مختلف هستیم تا تبلیغات شما را با مخاطبان خود به اشتراک بگذاریم.

# بهزاد فرنیچر



Email: behzad.dost@gmail.com 0781 700 000

بهزاد فرنیچر کیفیت بهتر

آدرس: چهارراهی بره‌کی، کابل، افغانستان

## مؤسسه نشر وازه

پیشرو در امور چاپ، نشر و پخش کتاب



دفتر مرکزی و فروشگاه ۱: کابل، کارته ۳، چهارراه پل سرخ، مارکت تجاری ملی، منزل پایین، نشر وازه  
فروشگاه ۲: کابل، پل سوخته، چوک شهید مزاری، مارکت محمدی، نشر وازه  
چاپخانه: کابل، شهرک امید سبز، فاز اول، چاپ وازه، پلاک ۲۲  
۰۷۸۰۷۴۷۴۲۳۰ - ۰۷۸۰۷۴۷۳۳۶۷

Vazha.Publication NashreVazha VazhaPub

## شفاخانه آینه صحت

تخفیف ویژه  
۲۸۰۰۰ افغانی

کاشت مو طبیعی به روش FUE

کاشت مو یکی از تداوی‌های عمده و اساسی برای طاسی سر است. در این تداوی موها از ساحات عقب سر یعنی قسمت‌هایی که موها قوی‌تر هستند و مساعد به ریزش نیستند گرفته شده و به قسمت جلو سر یعنی جاهای خالی انتقال داده می‌شود. قبلاً هموطنان ما برای اجرای این عملیه مجبور به سفر به خارج از کشور بودند اما فعلاً این عملیه در داخل کشور با مصارف کمتر قابل اجرا است. تیم مرکز جلدی و زیبایی شفاخانه آینه صحت با سرپرستی داکتر پامیر حسین صالحی، داکتر میوند حبیب و داکتر وحیدالله عاشر، با در نظر داشت شرایط اقتصادی هموطنان ما کاشت مو را با کیفیت عالی و تخفیف ویژه انجام می‌دهد.

آدرس: بین چهارراهی پروان دوم و گل سرخ، شفاخانه آینه صحت  
شماره تماس: ۰۷۸۱۲۳۵۰۴۰

BARTARTECH  
INNOVATIVE & DIGITAL SOLUTIONS

شرکت خدمات IT  
برتر تیک

لیست بهترین خدمات ما



- طراحی وبسایت
- وب هاستینگ و ثبت دامین
- طراحی و توسعه دیتابیس
- ساخت برنامه‌های موبایل
- طراحی و پیاده سازی نتورک
- نصب کامره‌های امنیتی
- بازاریابی از طریق شبکه‌های اجتماعی
- گرافیک دیزاین (لوگو، بروشور، ویزیت کارت...)
- سنو (بالا بردن رتبه سایت در صفحه اول گوگل)

+93777690909

info@bartartech.com

+93787935900

www.bartartech.com

کوته سنگی، گولابی دواخانه، کابل افغانستان

## نوی عدالت

Electric co.

پرچون

عمده

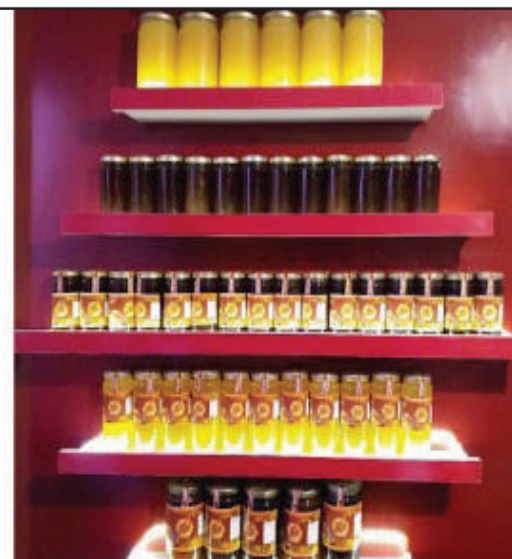
عرضه کننده هر نوع سامان آلات برقی، کیبل جات ایرانی و ترکی  
گروپ های کم مصرف LED گروپ های چارچی و بخاری های برقی  
با قیمت های مناسب در خدمت همشهریان عزیز قرار دارد



آدرس اول: کابل، کوته سنگی شروع پل هوایی جوار هتل آریانا کابل - مرکز تجاری نظیف  
آدرس دوم: کابل، کوته سنگی جوار کوچه حلبی سازی - مارکیت چهاردهی وال  
شماره های تماس: 0781776989 - 0744019820 - 0730784449

## فروشگاه عسل تاج

صحت و نشاط



پروفایل فروشگاه: www.baba.af/taj

تماس: ۰۷۴۴۳۸۱۳۷۰ / ۰۷۷۹۰۴۹۶۳۰

آدرس: کابل، کارته ۳، پل سرخ، جوار دروازه رضایی ستر

سال سیزدهم
شماره ۳۵۵۵
چهارشنبه
۲۳ جدی ۱۳۹۹
۲۳ دسامبر ۲۰۲۰
قیمت: ۲۰ افغانی

♦ شریف شایق

سفر ابدی استاد رهنورد زریاب، نویسنده نام‌دار افغانستان با واکنش‌های زیادی در میان سیاست‌مداران و مردم روبه‌رو شد. بسیاری از کاربران شبکه‌های اجتماعی، به شمول چهره‌های شاخص سیاسی، روزنامه‌نگاران پیش‌گام، فرهنگیان و نویسنده‌گان، مرگ استاد زریاب را فروریزی ستون محکمی از کاخ زبان فارسی عنوان کردند، کارنامه‌های ادبی و رسانه‌ای او را ستودند و برای رفتنش سوگ‌نامه نوشتند.

من وقتی واکنش مردم در برابر مرگ یک نویسنده نام‌دار افغانستان را دیدم، به خود بالیدم که مردم ما نسبت به گذشته حالا به درک و دریافت متفاوت و بهتری نسبت به اهل قلم و فرهنگ و اندیشه این سرزمین رسیده‌اند. اما وقتی روایت میرحیدر مطهر، مدیر مسوول روزنامه آرمان ملی را خواندم، درک کردم که هنوز صاحب قلم، نویسنده، شاعر، ژورنالیست، روشن‌فکر و آدم‌های صاحب اندیشه در این سرزمین چقدر غریب هستند و چقدر راه طولانی را باید پیمود تا به جایی رسید که قدر کار خردمند صاحب عقل را جامعه درک کند.

روایت آقای مطهر، از مراسم تدفین و فاتحه‌خوانی استاد زریاب، مرا به یاد مراسم تشییع جنازه پوهاند سرور همایون، استاد دانشگاه کابل انداخت. سرور همایون از استادان نام‌دار زبان و ادبیات پارسی دری دانشگاه کابل بود. من سال‌های پیش وقتی در کابل بودم، خبر شدم که شمع عمر استاد همایون خاموش شده است. تصمیم گرفتم در مراسم جنازه‌اش شرکت کنم. فکر می‌کردم که شاید به دلیل حضور شخصیت‌های فرهنگی و سیاسی در مراسم مذکور، برای من مجال حضور ممکن نباشد؛ اما رفتم و وقتی جسد استاد را به قبرستان آوردند به جز چند نفر از فرهنگیان بدخشان، مشمول عبدالعلی کوهی استاد دانشگاه کابل، واقف حکیمی و چند نفر دیگر، کسی در مراسم شرکت نکرده بود. جنازه پوهاند همایون که عمری را صرف نوشتن و تدریس زبان و ادبیات فارسی کرده بود، غریبانه و بدون حضور رسانه‌ها به خاک سپرده شد.

استاد رهنورد زریاب یک عمر برای باروری زبان و ادبیات فارسی تپید، در شکل‌گیری روزنامه‌نگاری نوین افغانستان در دو دهه پسین حرف اول را زد، برای آرامش روح و روان انسان ملتپه و خسته از جنگ افغانستان قصه خواند تا روح و ذهن او را در برابر موج خشونت و خون‌ریزی به آرامش ببرد و برایش سکون و ثبات بدهد، زیبایی خلق کند و برایش بگوید که زنده‌گی تنها جنگ، خون‌ریزی، ویرانی، مهاجرت و دربه‌دری نیست؛ بلکه پهلوهای زیبای زنده‌گی را باید یافت و شادمانه

زنده‌گی کرد.

زریاب برای آرامش روح انسان افسرده و گیرمانده در باتلاق جنگ و درد، قصه گفت. از روزهای شاد زنده‌گی مردم روایت کرد تا روی‌کرد نگاه انسان دردمند جامعه ما به زنده‌گی تغییر کند و امیدوار شود که تا ریشه در آب است امید ثمری است.

زریاب عمرش را با کتاب و قلم به سر رساند، به دریای دانش دانشمندان افغانستان، منطقه و جهان غواصی کرد و برای خوشبختی مردم این سرزمین از اندیشه‌های برتر دانش و خرد مایه گرفت و خامه فرسود و برای ما آثاری خلق کرد. اما بحث اصلی این است که جامعه ما

**زریاب عمرش را با کتاب و قلم به سر رساند، به دریای دانش دانشمندان افغانستان، منطقه و جهان غواصی کرد و برای خوشبختی مردم این سرزمین از اندیشه‌های برتر دانش و خرد مایه گرفت و خامه فرسود و برای ما آثاری خلق کرد. اما بحث اصلی این است که جامعه ما هنوز ارزش کار این نوع انسان‌ها را کم‌تر درک می‌کند و به کارش اهمیتی نمی‌دهد.**

هنوز ارزش کار این نوع انسان‌ها را کم‌تر درک می‌کند و به کارش اهمیتی نمی‌دهد. سید رضا محمدی یکی از شاعران افغانستان درباره استاد زریاب نوشته است: «پیرمرد، چشم و چراغ ما بود، هر شهری به برکت رندی، روح دارد که تکیه‌گاه معرفت و دانایی شهر است. تکیه‌گاه کابل، استاد رهنورد زریاب بود. نویسنده و شاعر و هنرمند و دانشمند فراوان یافت می‌شود، اما رند نه. ادبیات برای نو قلمان، اسباب رعنائی است، اما کم کم، خودش هدف می‌شود، خودش سلوک می‌شود. وقتی کلمات خرقه بسوزانند و نویسنده خودش، قصه‌ای شود، پر از کلمات چند ضلعی، زائری شود مقیم در کلمات، زنده‌گی‌اش سراسر رندی و عیاری است. از او سخن ناپسند نمی‌توان شنید، غیبت

# خریت صاحب قلم در افغانستان

نمی‌توان یافت، قضاوت دیگران را نمی‌توان دید، چرا که آن طرف خوب و بد، قضاوتی در کار نیست.»

با توجه به روایت آقای مطهر از تدفن و فاتحه‌خوانی استاد زریاب، این‌گونه برداشت می‌شود که کار زریاب و یک عمر کار قلم‌فرسایی او در پایان عمرش زیاد مورد توجه نیست و شرکت چند نفر محدود در مراسم جنازه استاد زریاب و خاک‌سپاری او مانند یک انسان گم‌نام و عادی، نمایان‌گر این است که کار زریاب حتا در نزد فرهنگی و مدنی این وطن هم جایی نداشته است.

زریاب به عنوان انسانی که آرمان شهری، جز رفاه و آسوده‌گی مردم این سرزمین نداشت، پاک زیست و نوشت، در غارت و تاراج دارای عامه دخیل نبود، دستش را به خون هیچ انسان این سرزمین نیالوده بود، بلکه برای باروری فرهنگ و زبان این سرزمین تپید و نوشت و کار کرد؛ اما متأسفانه بسیار عادی و غریبانه به سفر ابدی‌اش رفت، بدون همراهی جمعی از انسان‌هایی که او برای‌شان قلم زد.

وقتی صاحب قلمی می‌میرد، غریبانه تدفن می‌شود و حتا در مراسم فاتحه‌خوانی او هم کسی شرکت نمی‌کند. اما وقتی صاحب ثروتی، صاحب قدرتی، صاحب تفنگی می‌میرد، هزاران تن برای او سوگ‌نامه می‌نویسند، به جنازه و دعاخوانی‌اش می‌شتابند و برایش ده‌ها لقب و نشان دیگر خلق می‌کنند. واقعیت این است که صاحب قلم در این جامعه غریبانه زنده‌گی می‌کند و غریبانه می‌میرد.

این درد که انسان خردمند بی‌ارزش و کارش بی‌بها است، درد نو نیست. انسان‌های زیادی در جوامع مختلف این درد را تحمل کرده‌اند و سرانجام ملت‌ها به بیداری رسیده‌اند که باید از دانشمند، صاحب قلم و اندیشه‌گر خود و کار او قدردانی کنند.

حافظ شیرازی، شاعر نام‌دار زبان فارسی هم با استناد این بیت معروفش، چنین دردی را داشته است که جامعه کار او را ارزش نمی‌دهد و او دل خورده آرزو می‌کند به جایی برود که به او بها قابل شوند.

\*\*\*

سخن‌دانی و خوش‌خوانی نمی‌ورزند در شیراز
بیا حافظ که تا خود را به ملکی دیگر اندازیم

\*\*\*

سفله پروری، قهرمان‌سازی‌های کاذب و دروغین در میان انسان‌ها و دستگاه‌های قدرت همیشه وجود داشته است و این مسأله در جامعه افغانستان بیش‌تر محسوس است. کسانی که برای خوشبختی انسان این سرزمین

کودکان در جهان بوده است، زنان نسبت به اوایل دهه

سال ۲۰۰۰ نیم برابر طفل بیش‌تر به دنیا می‌آورند. اما هنوز مسیر طولانی در پیش است. در مناطق تحت کنترل طالبان، هیچ مکتب متوسطه دخترانه وجود ندارد. این گروه مدام در حملات خود زنان، دختران و مکاتب را هدف قرار می‌دهد. علاوه بر این، طالبان از ابزار نظر مشخص در مورد چگونه‌گی مشارکت رسمی زنان افغان در دولت امتناع می‌ورزند. بدون یک تعهد مشخص از سوی طالبان، پیش‌رفت‌هایی که زنان افغان طی دو دهه گذشته داشته‌اند به خطر می‌افتد.

بازگشت طالبان به قدرت سیاسی بدون تعهدات مشخص برای محافظت از گروه‌های آسیب‌پذیر، بسیاری از خطراتی را که افغان‌ها برای دهه‌ها با آن دست به گریبان بوده‌اند، دوباره احیا می‌کند. خطرات جانی و محرومیت‌ها، بیش‌تر اقشار آسیب‌پذیر – از جمله ۷۹ درصد بزرگ‌سالان و ۱۷ درصد کودکانی که با انواع معلولیت زنده‌گی می‌کنند، گروه‌های اقلیت مانند هزاره‌های شیعه و پناهنده‌گان بازگردانده‌شده را تهدید می‌کند.

بازگشت طالبان به قوانین و مجازات‌های سخت‌گیرانه نیز باعث مهاجرت‌های بیش‌تر به کشورهای همسایه (پاکستان و ایران) و هم‌چنین ترکیه و اروپا می‌شود. این قطعا بازگشت داولطلبانه دایمی پناه‌جویان به افغانستان را ناممکن می‌سازد. یکی از شاخص‌های اصلی برای برگشت کسانی که به اجبار آواره شدند، صلح پایدار است.

اما چرا کسی به افغانستان حمله می‌کند، مانند حملاتی که تاج بی‌بی را هدف قرار داده است و یا حملات مانند آن بر دانشگاه کابل در ماه نوامبر. علی‌رغم

قلم و قدم می‌زنند، آنان را جامعه تحویل نمی‌گیرد و کار شان را دیوانه‌گی می‌پندارد. اما آدم‌هایی که در صدد تغذیه از خون مردم اند و به تداوم جهالت و بدبختی آنان کمر بسته، قهرمانان جامعه نیز اند. به بیان روشن‌تر در جامعه ما کسی که می‌آید و یک عمر برای روشن‌گری، عدالت، برابری و تغییر وضعیت زنده‌گی انسان این سرزمین قلم می‌زند، غریب است و جامعه به او ارزش نمی‌دهد. در جامعه ما این ابلهان هستند که به گفته حافظ در آسایش زنده‌گی می‌کنند و با کر و فر می‌میرند.

\*\*\*

ابلهان را همه شربت ز گلاب و قند است
قوت دانا همه از خون جگر می‌بینم

\*\*\*

دانا و اندیشمند در افغانستان خوار است، درد می‌کشد، راهکار خلق می‌کند، برای بهبود زنده‌گی انسان‌های این سرزمین قلم می‌زند؛ اما بی‌قدر است و خوار.

این‌جا، خاطره‌ای به یادم آمد. سال‌های پیش پرتو نادری، برای تصاحب کرسی مجلس نماینده‌گان از آدرس بدخشان خود را نامزد کرده بود. به من زنگ زد و گفت که یک مقدار اوراق تبلیغاتی‌ام را به یکی از ولسوالی‌های بدخشان برسان. قبول کردم، وعده گذاشت که برایت می‌فرستم. فکر کردم به دست کسی می‌فرستد. من در حاشیه شهر فیض‌آباد در یک اتاق محقرانه زنده‌گی می‌کردم. وقتی وعده رسیدن اوراق مشخص شد، بیرون شدم تا شاید کسی اوراق استاد را به من می‌آورد. وقتی بیرون رفتم، دیدم که استاد خودش بسته‌ای از کتاب‌ها و اوراق تبلیغاتی‌اش به شانه کرده و به من می‌آورد. بسیار متأثر شدم که انسانی به دانایی او چنین خوار است. من آن اوراق را بردم و در میان مردم توزیع کردم. کتاب‌های استاد را به معلمان و افراد با سواد توزیع کردم و انتظار داشتم که این‌ها به استاد رأی خواهند؛ اما چنین نشد و استاد رأی قابل توجه برای احراز کرسی مجلس نگرفت.

این‌ها نمونه‌هایی از غربت صاحب قلم افغانستان است؛ کسی که برای حق‌خواهی و تغییر زنده‌گی عوام داد می‌زند، دادخواهی می‌کند، شعر و مقاله می‌نویسد و در مقابل حاکمیت می‌ایستد تا کاری برای بهبود زنده‌گی و تأمین عدالت در جامعه انجام شود؛ اما جامعه هیچ توجهی به او و کارهایش ندارد، نه به زنده‌اش بها می‌گذارد و نه هم به مرده‌اش.

به امید روزی که کتاب‌خوانی رونق بگیرد و نویسند و صاحب قلم جایگاه پیدا کند و قدر و عظمتش بالا برود.

**توافق‌نامه ۲۹ فبروری امریکا–**

**طالبان، با پادرمیانی ایالات**

**متحده، دولت افغانستان و**

**طالبان را به میز مذاکره کشاند.**

**این توافق‌نامه اشکالات بزرگی**

**دارد؛ در امر نماینده‌گی زنان در**

**گفت‌وگوها، تضمین حقوق زنان و**

**یا هم تعهد قاطع برای حمایت از**

**جمعیت آسیب‌پذیر ناکام ماند. در**

**این توافق‌نامه هیچ نوع اشاره‌ای**

**به حمایت از آواره‌گان داخلی و**

**یا بهبود شرایط و آماده‌گی برای**

**بازگشت پناهنده‌گان از خارج**

**صورت نگرفته است.**

ادامه گفت‌وگوهای صلح، تداوم این حملات افغان‌ها را وحشت‌زده کرده است.

با ادامه مذاکرات، طالبان باید متعهد شوند که از حقوق محروم‌ترین افراد جامعه افغانستان حمایت می‌کنند. هر چیزی کم‌تر از آن، مانع صلح پایدار خواهد بود.

در حالی که افغان‌ها تصور می‌کنند که آینده بهتری در انتظار شان است، با چالش‌های ناگهانی روبه‌رو می‌شوند. ایالات متحده باید خطرات توافق‌نامه صلح عجولانه، خروج ناگهانی و یک‌طرفه نیروهای نظامی و کاهش بودجه مورد نیاز بشردوستانه و توسعه را کاملاً در نظر بگیرد. این مهم است، زیرا طالبان به حملات خود ادامه می‌دهند و حقوق زنان را محدود می‌کنند.

ایالات متحده و سایر کشورهای کمک‌کننده باید در هم‌کاری نزدیک با دولت افغانستان عمل کنند. آن‌ها باید در تأمین بودجه برای نیازهای بشردوستانه و توسعه افغانستان تجدید تعهد کنند. زیرا ثبات منطقه‌ای، زنده‌گی افغان‌ها و حل مشکلات پناه‌جویان افغان با هم‌دیگر پیوند دارد.

## حوادث ترافیکی در هرات؛

# ۲۰۱ کشته و ۷۶۲۸ زخمی در نه ماه



محمدحسین نیکخواه



۲۰۱ کشته در پی داشته است. داکتر عارف جلالی، سرطیب شفاخانه حوزه‌های هرات، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید که تلفات حوادث ترافیکی نسبت به سال گذشته حدود ۱۰ درصد افزایش یافته و این مساله برای مقام‌های صحنه نگران‌کننده است.

۸۰ درصد مجموع تلفات و اوقات راننده‌گی مردان، ۱۵ درصد زنان و پنج درصد کودکان هستند. از میان ۲۰۱ فوتی رویدادهای ترافیکی در جریان ماه‌های اخیر، ۶۰ درصد آنان در حوادث ترافیکی مسیرهای بیرون‌شهری و بزرگراه‌ها جان باخته‌اند.

آمار شفاخانه حوزه‌های هرات هم‌چنان نشان می‌دهد که هر ماه در این مرکز درمانی، به صورت میانگین حدود ۵۰۰ رویداد ترافیکی به ثبت می‌رسد و بخش بزرگی از بودجه و امکانات پزشکی، برای مداوای بیماران این رویدادها مصرف می‌شود.

زخمیان رویدادهای ترافیکی مسیر بزرگراه‌ها توسط

آمار شفاخانه حوزه‌های هرات نشان می‌دهد که از آغاز سال روان خورشیدی در این ولایت بیش‌تر از هفت هزار تن به دنبال وقوع حوادث ترافیکی زخمی شده و بیش از ۲۰۰ تن دیگر جان باخته‌اند. افزایش آمار تلفات رویدادهای ترافیکی، نگرانی مقام‌های صحنه را در پی داشته است.

براساس معلومات آمريت «هرات آمبولانس» عامل ۹۰ درصد حوادث ترافیکی موتورها «دست پاکستان» است و تیزرانی، بی‌احتیاطی و عدم رعایت قوانین ترافیکی، عوامل دیگر افزایش میزان واقعات و تلفات راننده‌گی در هرات به شمار می‌رود.

مدیریت ترافیکی هرات، از لغو تشکیل پولیس ترافیکی بزرگراه و نبود کارمندان کافی برای نظارت از رفت‌وآمد موتورها در جاده‌های بیرون‌شهری خبر می‌دهد. مقام‌ها در این نهاد تأکید دارند که جز تنظیم ترافیکی در داخل شهر، هیچ نظارتی بر مسیرهای بیرون‌شهری و بزرگراه‌ها ندارند.

افزایش تلفات ناشی از رویدادهای ترافیکی در هرات، نگرانی مقام‌های صحنه را در این ولایت به دنبال داشته است. از روز جمعه تا روز دوشنبه، اول جدی، به دنبال وقوع سه رویداد ترافیکی که دو واقعه در یک روز اتفاق افتاد، دست‌کم ۱۲ نفر کشته و ۳۲ تن دیگر در مسیرهای هرات - ادرسکن و هرات - تورغندی کشته شدند.

براساس آماري که از تلفات واقعات ترافیکی در شفاخانه حوزه‌های هرات به ثبت رسیده، از آغاز سال روان خورشیدی تا پایان ماه قوس، رویدادهای ترافیکی در این ولایت دست‌کم هفت هزار و ۶۲۸ تن زخمی و

این ولایت، موتورها دست پاکستان است. قاسم‌خان، سرپرست مدیریت ترافیکی هرات، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید که بیش‌تر راننده‌گان یا قوانین ترافیکی را نمی‌دانند و یا آن را رعایت نمی‌کنند. به گفته او، وقتی در بزرگراه‌ها موتورها «اشترنگ‌چپه/دست افغانستان» پاکستان» و موتورها «اشترنگ‌چپه/دست افغانستان» رفت‌وآمد می‌کنند، راننده‌گان موتورها دست پاکستان دید کافی ندارند و سرعت زیاد سبب وقوع رویدادهای ترافیکی می‌شود.

سرپرست ترافیکی هرات می‌افزاید که پولیس ترافیکی در مسیر بزرگراه‌ها و جاده‌های بیرون‌شهری هیچ‌گونه نظارتی ندارد و تشکیل ترافیکی بزرگراه چندی پیش از ساختار مدیریت ترافیکی هرات لغو شد و مأموران این نهاد تنها تنظیم ترافیکی را در محدوده شهر هرات پیش می‌برند.

برخی راننده‌گان می‌پذیرند که مردم با قوانین ترافیکی آشنایی ندارند و افراد زیر سن قانونی و نوجوانان در مسیر بزرگراه‌ها و جاده‌های بیرون‌شهری با سرعت زیاد راننده‌گی می‌کنند. شیرآقا، از راننده‌گان موتورها مسافری، باور دارد که افزایش موتورها دست پاکستان، سرعت زیاد، رعایت نکردن قانون ترافیکی و بی‌احتیاطی، عوامل رویدادهای خونین ترافیکی در هرات است.

وقتی در حال خارج شدن از دفتر آمر هرات آمبولانس بودم، تصاویر حوادث راننده‌گی را برایم نشان داد و با حسرت و درد گفت: «برخی‌ها فکر می‌کنند حادثات مرگبار ترافیکی در بزرگراه‌ها قصه و داستان است، اما من با چشم دیدم که چگونه مردم قربانی بی‌احتیاطی و سرعت زیاد می‌شوند!»

در افغانستان تلفات حوادث ترافیکی در بزرگراه‌ها، بیش از رویدادهای هراس‌افگانه است؛ در حالی که راننده‌گان در نبود جاده‌های معیاری و تابلوهای ترافیکی در مسیر جاده‌ها حکومت را مقصر رویدادهای ترافیکی می‌پندارند، اما پولیس ترافیکی بی‌احتیاطی راننده‌گان را زمینه‌ساز این حوادث می‌داند.

## صلح و آینده مبهم افغانستان

به عنوان متحد امریکا شناخته می‌شود و امریکا دیگر نگران تهدید از جانب این گروه نیست. طبق توافق‌نامه امریکا و طالبان، گروه طالبان متعهد شده است که دیگر با هیچ گروه تروریستی بانی خطر و نامنی برای امریکا، همکاری نمی‌کند، از این رو می‌توان طالبان را تا این مقطع زمانی، برنده اصلی به شمار آورد؛ به این دلیل روشن که این گروه توانسته است تا کنون در کنار به دست آوردن یک توافق‌نامه با امریکا، بیش از پنج هزار زندانی‌اش را از زندان‌های دولت رها کند. آغاز روند مذاکرات و پیش از آن امضای توافق‌نامه میان امریکا و گروه طالبان، به نحوی این گروه را مشروعیت سیاسی نیز بخشید.

### نتیجه‌گیری

مذاکرات وقتی به نتیجه می‌رسد که هیات مذاکره‌کننده دولت روی اجندای مشخصی با طالبان به موافقت برسد و تطبیق روند صلح آغاز شود که همانا برقراری آتش‌بس دائمی است. ارگ ریاست جمهوری باید به صلاحیت تصمیم‌گیری شورای عالی مصالحه ملی در امور صلح بیش‌تر احترام بگذارد تا این روند به صورت جدی‌تر از سوی این شورا به پیش برود. گرچه در کوتاه‌مدت می‌توان عدالت را قربانی تامین صلح کرد، اما در درازمدت هیچ صلحی بدون عدالت نمی‌تواند دوام بیاورد. صلح پایدار بدون برپایی نظام جمهوری که در آن قوای سه‌گانه اجرایی، تقنینی و قضایی دارای استقلال هستند، تحقق نمی‌یابد؛ اما ایجاد چنین نظامی خود مشروط به عقلانیت، عدالت‌محوری، بلوغ فکری، سلوک اخلاقی و قدرت‌مداری براساس قانون است. به بیان کانت، صلح پایدار مانند کودکی است که در یک لحظه به دنیا می‌آید، اما سال‌ها طول می‌کشد تا این کودک، بر اثر مراقبت و آموزش به بلوغ برسد.

دولت و شورای عالی مصالحه ملی می‌توانند پیش از شروع مجدد گفت‌وگوها، به یک دورنمای مشخص که آینده افغانستان در آن ترسیم شده باشد، دست پیدا کنند تا باورمندی مردم، احزاب و متحدان خود را احیا کنند. هم‌چنان تنش‌های اجتماعی موجود به ویژه تنش‌های قومی و زبانی که یکی از موانع بزرگ بر سر راه صلح است، کم‌رنگ‌تر ساخته شود، در غیر آن دور از انتظار نیست که شرایط کرونایی و در پی آن فشار اقتصادی بر مردم، ناامنی و افزایش شدت جنگ از سوی طالبان، کورسوهای امید مردم را ببندد و آینده‌ای را رقم بزند که کسی برای آن برنامه‌ریزی نکرده است.

حرف چندانی برای گفتن در چهارچوب گفت‌وگوهای بین‌الافغانی نداشت. حالا بعد از سیری شدن سه ماه، دو طرف هنوز نتوانسته‌اند روی اجندای مذاکرات به توافق برسند.

در کنار عوامل بیرونی، یک‌دست اتفاقات در داخل کشور نیز منجر به قدرت‌گیری طالبان شد که در این میان می‌توان از پی‌آمدهای دو انتخابات ریاست جمهوری اخیر و پس از آن تقسیم قدرت براساس توافقات سیاسی، نام برد. این انتخابات‌های جنجالی، به باور شهروندان نسبت به پروسه‌های کلان ملی و نخبه‌گان سیاسی خدشه وارد کرد.

دموکراسی اصولاً بر پایه مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری و اعتماد آن‌ها به ساختارهای دولتی استوار است. رویکرد مصلحت‌گرایانه باعث از هم پاشیدن وحدت نخبه‌گان سیاسی در کشور شده و آن‌ها به جای گرد آمدن به دور گفتمان‌های کلان و نجات‌بخش ملی، در پی ایجاد اتحادهای کوتاه‌مدت و تمسک به بازی‌های سیاسی به منظور نزدیک شدن به هسته قدرت هستند.

### اما سناریوی متحمل در پروسه صلح: ابتکار عمل در دست طالبان

چنانچه به نظر می‌رسد، طالبان به این باور اند که نیروهای خارجی را در افغانستان شکست داده‌اند و این گروه، دولت افغانستان را نیز دولتی با پس‌زمینه ۲۰ سال حکومت‌داری بد به معرفی می‌گیرند. با وجودی که طالبان نتوانسته‌اند در مرحله اول گفت‌وگوها یک‌دست عمل کنند، اما در سوی دیگر روند صلح تا اکنون به صورت مشترک از سوی ارگ و سپیدار مدیریت می‌شود و شورای عالی مصالحه ملی روند گفت‌وگوهای صلح را در دست ندارد. این مورد، نوعی از پراگنده‌گی و تعدد مراجع تصمیم‌گیری در امور صلح را نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد ارگ ریاست جمهوری در پی کنترل روند صلح است و در چند مورد هم مراجع دوگانه تصمیم‌گیری در دولت، اختلافاتی را میان سران ارگ و سپیدار آفریده است. با وجودی که تا اکنون امریکا و اتحادیه اروپا خواستار آغاز به کار فوری کمیته رهبری شورای عالی مصالحه ملی شده‌اند، اما تا کنون به جز برگزاری جلسه افتتاحیه این کمیته، کدام اقدامی را شاهد نیستیم و این نوعی ناهماهنگی در صف جمهوری‌ت را تداعی می‌کند. این ناهماهنگی و سردرگمی، طالبان را در میز مذاکره موفق‌بهتری می‌بخشد. گروه طالبان از شروع مذاکرات و بعد از توافق با امریکا،



کیهان بارکزئی



**مفهوم صلح گرچه همواره دغدغه اندیش‌مندان و مکاتب فلسفی بوده است، اما امروز به عنوان یک نیاز جهانی بیش از پیش مورد توجه واقع شده و رویای امروزی بشر است. یکی از طرح‌هایی که بر پایه انسان‌محوری محض در عصر مدرنیته مطرح و محرک بسیاری از گام‌های آغازین در عرصه صلح بین‌الملل تلقی شد، طرح صلح پایدار کانت بود. نیازی نیست به سیر تاریخ برویم و از نظر تاریخی به مساله نگاه کنیم، کافی است به بیست سال گذشته نظر اندازیم و انتخابات قبلی ریاست جمهوری افغانستان را مورد بحث قرار دهیم که با تمام فراز و نشیب‌ها و نتایج بحث‌برانگیزش، پاشنه آشیل صلح بود و با مطرح شدن ریاست مصالحه ملی و توافق سیاسی بین دو تیم پیش‌تاز، بر بن‌بست سیاسی کشور نقطه پایان گذاشت.**

**این توافق، جامعه ما را برای دومین بار صاحب یک دولت ایتلافی از نوع تقسیم قدرت سیاسی بر مبنای مصلحت کرد. محور اصلی تمام زدوبندهای کنونی و گذشته، همانا صلح با طالبان بوده و تاکنون بر این محور می‌چرخد و حتا این فرآیند نسبت به گذشته شتاب بیش‌تری نیز گرفته است.**

**در ابتدا امید می‌رفت که این بار جناح‌های درگیر و حکومت بتوانند بیش‌تر به هم نزدیک شوند و از سوی دیگر امریکا و جامعه جهانی دیگر علاقه‌ای به ادامه جنگ افغانستان از خود نشان ندادند و سیاست امریکا در پنج سال اخیر بر محور منافع داخلی خودش می‌چرخد.**

**مردم افغانستان که بیش از ۴۰ سال است با نتایج زبان‌بار جنگ داخلی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، از هر گامی در راستای صلح و آشتی با امید و شادی استقبال می‌کنند و حتا حاضر شدند برای رسیدن به این آرزو، در جرگه مشورتی صلح رأی موافق برای آزادسازی ۵۰۰۰ زندانی طالبان بدهند. اما با گذشت ماه‌ها از آغاز مذاکرات صلح، مسیر رسیدن به صلح رفته‌رفته پریچ‌وتاب و دشوارتر شد و دو تیم حاکم در قدرت از پروسه صلح به عنوان برنامه صلح پایدار استفاده نکردند، بلکه فقط از آن ابزاری ساختند برای به دست آوردن قدرت سیاسی و یا ماندن در مقام‌های فعلی و حفظ حاکمیت‌شان. این تا جایی ادامه پیدا کرد که تیم دولت‌ساز به رهبری اشرف غنی همیشه بر طبل جمهوری کوبیده است و اگر**

جناحی می‌خواسته روند صلح و حکومت‌داری را به نقد گیرد، به عنوان طرف‌دار امارت به عقب رانده و دشمن جمهوری وانمود شده است. در سمت دیگر، تیم ثبات و هم‌گرایی به رهبری عبدالله عبدالله که مدیریت این فرآیند را برعهده دارد، تاکنون برنامه مدونی برای صلح ندارد و فقط این روند را با وجود نداشتن صلاحیت کامل تصمیم‌گیری، به مصادره گرفته و دل‌خوش چند سفر منطقه‌ای است. این بی‌برنامه‌گی حکومت در فرآیند صلح، جناح‌های درگیر در منازعه را به ادامه جنگ و وارد کردن خسارت و تلفات بر یک‌دیگر واداشته است. طالبان در این میان از افزایش حملات بالایی نیروهای امنیتی و غیرنظامیان، به عنوان اهرم فشار به منظور دست بالا داشتن در مذاکرات استفاده می‌کنند. در همین راستا، تا به حال پایتخت کشور شاهد دو حمله راکتی بوده که این به خودی خود مانوری برای ضعیف‌نشان دادن دولت می‌تواند تعبیر شود. دولت افغانستان در فرستادن تیم مذاکره‌کننده به قطر برای شروع گفت‌وگوهای صلح نیز از عجله کار گرفت. این امر باعث شد تا طالبان در رسانه بهتر از تیم حاکم ظاهر شوند. تیم مذاکره‌کننده حکومت هم

هیچ‌جا غم‌انگیزتر از خان‌های نیست که عزیزی از آن رفته و جای خالی‌اش چنان زخمی که خوب نمی‌شود، تازه مانده است. سنگینی این اندوه، شانه‌های اهالی خانه را شکسته است. چراغ روشن خانه خاموش است و تاریکی، زنده‌گی مادر و شش فرزندش را در بر گرفته است. به حویلی کوچکی در یکی از قریه‌های ولسوالی شولگره می‌رویم. مادر به استقبال ما بیرون می‌شود و به داخل دعوت می‌کند. اتاق کوچکی که ۲.۵ متر عرض دارد و حدود ۴ متر طول. یک پنجره کوچک را برای نفوذ نور گذاشته‌اند. لحظاتی گذشت و چشمانم با روشنایی اندک خانه خو گرفت و کم‌کم توانستم اشیایی که در خانه بود را ببینم. مادر، شش فرزند دارد. دختر بزرگش ازدواج کرده و پنج فرزند دیگرش با او زنده‌گی می‌کنند.

همسرش افسر نیروهای امنیتی در شولگره بوده و در جنگ با طالبان جانش را از دست می‌دهد. سورگل، مردی که حدود پنجاه سال دارد، در روزهای دشواری که طالبان حملات‌شان را بر این ولسوالی شدت داده‌اند، با نیروهای امنیتی یک‌جا می‌شود و ده ماه در برابر طالبان می‌جنگد. جنازه سورگل را چهار ماه قبل در روز دهم ماه محرم به خان‌ه‌اش آوردند. همسرش می‌گوید اول خبر زخمی شدنش را برای ما دادند. سورگل را دو روز در شفاخانه نظامی مزارشریف بستر می‌کنند، اما زخم‌های بدن او عمیق است و داکتران نمی‌توانند جانش را نجات دهند.

از پنجره کوچک خان‌ه‌اش به دروازه حویلی اشاره می‌کند و می‌گوید بعد از این‌که دو روز منتظر بودم برگردد، جنازه‌اش را ساعت شش شام از همین دروازه وارد خان‌ه‌ام کردند. به

## روزگاری پدري چگونه خواهد گذشت؟

# قاب عکس پدر، بر دیوار خانه‌ای غم‌گرفته



**همسرش افسر نیروهای امنیتی در شولگره بوده و در جنگ با طالبان جانش را از دست می‌دهد. سورگل، مردی که حدود پنجاه سال دارد، در روزهای دشواری که طالبان حملات‌شان را بر این ولسوالی شدت داده‌اند، با نیروهای امنیتی یک‌جا می‌شود و ده ماه در برابر طالبان می‌جنگد. جنازه سورگل را چهار ماه قبل در روز دهم ماه محرم به خان‌ه‌اش آوردند. همسرش می‌گوید اول خبر زخمی شدنش را برای ما دادند.**

نقطه‌ای در وسط حویلی اشاره می‌کند: «جنازه شه این‌جه مانندن».

از اتاق بیرون می‌شویم. در سمت دیگر حویلی چند اتاق دیگر دیده می‌شود که سقف‌های‌شان فرو ریخته است. دو اتاق و یک دهلیز است. بافت‌های خانه به دلیل کهنه بودن متلاشی شده است. سورگل می‌خواست این اتاق‌ها را ترمیم

کند، اما زنده‌گی مجال این کار را نداد. حالا شش نفر فقط در یک اتاق چهارمتره زنده‌گی می‌کنند. به خانه برمی‌گردیم. تاریکی به اشیا سرایت کرده و همه چیز در این‌جا به هیات تولید رنج درآمد، بیش‌تر از همه قاب عکس‌هایی که در قسمت بالای پنجره نصب‌اند. یکی از آن‌ها سورگل است.

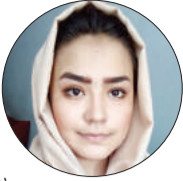
عکس را پایین می‌کند و با یونیفورم نظامی‌اش جلوم می‌گذارد. از مردی که نفس می‌کشید، راه می‌رفت و می‌جنگید، تنها چند شیء بی‌جان به جا مانده است.

مادر می‌گوید سورگل مرد بسیار مهربانی بود، همیشه فرزندانش را تشویق به درس خواندن می‌کرد و به آن‌ها می‌گفت که شما فقط درس بخوانید، بقیه چیزها را به من بگذارید.

مادر صدایش غمگین می‌شود و می‌گوید: نیستی بیبئی که دیگر پسرت نمی‌تواند به مکتب برود. بغض دخترش به ادامه این حرف می‌شکند و با دست صورتش را می‌پوشاند. پسر بزرگش چهارده سال دارد و بعد از شهادت پدر مجبور به ترک مکتب می‌شود. روزانه برای اهالی محل کار می‌کند و چند سر مواشی معدودی که دارند را به چرا می‌برد.

مادر می‌گوید که برابم گفتند چون همسرت در جنگ با طالبان شهید شده است، دولت معاشش را قطع نمی‌کند؛ اما چهار ماه از مرگ همسرم گذشته و هیچ توجهی به ما نکرده‌اند.

ریحانه، فرزند سوم سورگل است. برادرش مکتب را ترک کرده تا او بتواند درس‌هایش را ادامه بدهد. می‌گوید روزگار بی‌پدري چگونه خواهد گذشت!



هما همتا

این سوال را می‌پرسد و سکوت می‌کند. چه کسی به این سوال پاسخ خواهد داد؟ چه کسی به سوال‌های تمام فرزندانی که پدران‌شان را در این جنگ نابرابر از دست داده‌اند، پاسخ خواهد داد؟

او ادامه می‌دهد: «روزهای سخت ما

شروع شده و از هر راهی که می‌ریم، اوضاع خوب نمی‌شه.» مادر می‌گوید من درس نخوانده‌ام، سورگل نیز درس نخوانده بود و تا زمانی که زنده بود، هیچ‌گاهی نگذاشتم فرزندان ما از درس و تحصیل باز بمانند، اما حالا شرایط تغییر کرده است. مادر تنها و بی‌سواد چگونه از پس تأمین کردن خرج پنج فرزند بیرون شود؟

ریحانه از آرزوهای پدرش حرف می‌زند و این‌که چگونه همواره چون کوه محکم و استوار تکیه‌گاه فرزندانش بوده است. او می‌گوید بعضی از صنفی‌های ما را در ادامه راه خانواده‌های‌شان اجازه ندادند که درس بخوانند، اما هرچند پدر او نیز در همین جامعه به شدت سنتی زنده‌گی می‌کرد، هیچ‌گاهی تحت تأثیر سنت‌های سخت‌گیر و زن‌ستیز قرار نگرفت و همواره حامی همسر و فرزندانش بود.

ریحانه می‌گوید نام پدرش را زنده نگه می‌دارد، درس می‌خواند و آرزوهایش را برآورده می‌کند. او می‌گوید: آن‌ها (طالبان) ما را می‌کشند تا متوقف شویم، ولی ما ادامه می‌دهیم.

سورگل با تمام آروز و امیدهایی که داشت، زیر خاک آرام گرفت. فرزندان و همسرش در میان انبوهی از ناملایمات دست و پنجه نرم می‌کنند، اما هیچ مرجعی از آن‌ها خبری ندارد.

خانواده سورگل انتظار دارد تا گفت‌وگوهای دولت با طالبان به صلح منتهی شود. ریحانه می‌گوید می‌دانم که تنها من پدرم را از دست نداده‌ام، اما امیدوارم صلح بیابد و دیگر هیچ فرزندی در سوگ پدر ننشیند.

## کالد بی‌روح یاتن بی‌جان؛

# فسف، بخارا و سمرقندی که من دیدم

شده است. او در پخش و نشر تفکر اعتدال و هم‌دیگری‌پذیری گام‌های بلندی را برداشته است.

هم‌زمان با زوال حاکمیت امارات بخارا، این تفکر نیز در صد سال اخیر به انزوا کشانیده شده و تفکر روایت‌نگر سلفیت و وهابیت جایگزین آن شده است. در این بحث رابطه قدرت و تأثیرات آن بر تشکیل تفکر دینی سلفیت و وهابیت بحث محوری را تشکیل می‌دهد.

به گونه مثال، علمای این سرزمین نقش بی‌مانند در گفتمان و شکل‌گیری مباحث کلامی بین فرقه‌های معتزلی و ماتریدی داشته‌اند. متکلمین چون امام ابو منصور ماتریدی السمرقندی الحنفی (۸۵۳–۹۴۴) در سمرقند زیسته و مرقد او نیز اکنون در سمرقند است. او نقش مرکزی در تدوین مکتب کلامی حنفی (ماتریدی) داشت. خردگرایی و عقل‌گرایی دو اصل اساسی تفکر این فرقه کلامی – حنفی را تشکیل می‌دهد. به عبارت دیگر، تفکر درایت‌نگر و معنا‌نگر اساس گفتمان دینی را در این مکتب کلامی تشکیل می‌دهد. این تفکر رشته ناگسستگی با عرفان اسلامی نیز دارد و تلاش نهایی شده است تا فاصله بین عرفا و متکلمین از بین برود.

زمانی که در این شهرها قدم می‌زدم با معابد، مدارس و زیارت‌گاه‌های زیادی روبه‌رو شدم. اما در چندین سده اخیر این سرزمین به مخروبه فکری مبدل شده است و در حیرت هویتی به سر می‌برد. پیامدهای ناگوار و جنجال‌های هویتی و منطقه‌ای از یک‌سو و آفت مغل در گذشته و روس‌ها در قرون اخیر از جانب دیگر، سبب جدایی این سرزمین از بدنه شهرهای دیگر اسلامی و خراسان زمین شده است. در برخورد با این سرزمین احساس کردم که پاره‌ای از هویت گم‌شده‌ام را بازیافتم. گفته‌اند آبِ گَر صد پاره گردد – باز با هم آشناست. رقابت ناسالم سیاسی بین زمامداران پسا اتحاد جماهیر شوروی، سبب زوال بیش‌تر حاکمیت فکری این سرزمین شده و نقش مرکزی آن در جهت‌دان تفکر دینی منتقل شده به شبه‌جزیره عرب و مدرسه دیوبند که شدیداً از یک تفکر روایت‌نگر متأثر اند.

در دیدار از این شهرها، به مدارس خالی و تبدیل شده به موزه‌های متروک مواجه شدم. دیوارهای خشتی این مدارس را مانند کالد بی‌روح یافتم. دیگر در این دیار فکر تولید نمی‌شود. دیگر از بخاری و نقشبندی خبری نیست. مردمانی دیدم با هویت‌های حیران و حسرت‌های بیکران. آشنایانی دیدم بیگانه با گذشته و سرگردان از جور فلک.

مدارس «طلا کاری» و «شاه زنده‌ای» یافتم همه مجلل و پرنقش و نگار، با مینیاتوری‌ها و حکاکی‌های منحصره‌فرد این جغرافیا، اما خالی از مدرس و محصل و تفکر. قصرهایی یافتم نیمه‌ویران و فرورفته در حیرت، گویی هرازگاهی دیوارها می‌پرسند: کجا شد آن برگزیده‌گانی که بود «جان‌شان در بحر قدرت تا به حلق» و کجا شد آنانی که «بر ملایک خفیه خنک می‌زدند».

از اهمیت این دو شهر است که بزرگانی چون مولوی آن را «قند» نامیده و حافظ برای به دست‌آوردن دل یار خویش هر دو شهر را به «خال» بخشیده است.

بعد از قرآن در بین مسلمانان مهم‌ترین اثر دینی خوانده شده و ابو عیسی محمد ترمذی (۸۲۴–۸۹۲) مولف سنن ترمذی نیز از این مرز و بوم بودند. آرام‌گاه بخاری اکنون در ده بید یا دگبید سمرقند می‌باشد. مکان با شکوه و آرام‌بخشی است، در یک گوشه آن مسجدی و در گوشه دیگر موزه‌ای است از آثار و هدایای سران کشورهای اسلامی به این آرام‌گاه و در محوطه این آرام‌گاه چناری قرار گرفته که گویند عمر آن بیش‌تر از ۶۰۰ سال است.

امام بخاری در سن ۱۶ ساله‌گی همراه با مادرش به خانه کعبه رفت؛ ولی تا ۱۶ سال دیگر برنگشت. در این مدت او به گوشه و نواحی مختلف جهان اسلام سفر نمود و علم اندوخت. در نتیجه این سیر علمی و تحقیقات گسترده، او کتاب صحیح البخاری را نوشت. اثر دیگر او ادب الفرد نام دارد که در آن تنها احادیث مربوط به اخلاق و ادب گنجانیده شده است. سه اثر مهم دیگری که می‌شود از آن منجبت ضمیمه صحیح بخاری نام برد (اسناد یا سلسه) کتبی بیوگرافی (علم الرجال) گونه است که در مورد شخصیت، اخلاق و شجره راویان احادیث جمع آوری شده نگاشته شده است. بزرگ‌ترین آن به التاریخ الکبیر معروف است. مولف صحیح مسلم که بعد از بخاری شهرت کافی دارد نیز از شاگردان او از نیشابور می‌باشد.

در نتیجه زحمات و تحقیقات خسته‌گی‌ناپذیر بزرگان بخارایی بود که احادیث زیادی به عنوان دومین مرجع مقدس بین مسلمانان، دست ناخورده به نسل‌های بعدی انتقال پیدا کرده است. روش تحقیق که در جمع‌آوری احادیث توسط امام بخاری به کار گرفته شده، کم‌نظیر است. او برای هر یک حدیثی که به دست آورده، نه تنها فهرست راوی و یا راویان آن‌را ترتیب داده، بلکه بیوگرافی مختصر از اخلاق و شخصیت هر یک نیز ترتیب داده است. در روش‌های تحقیق حدیث و معاصر، به گونه مثال در مباحث هرمنوتیک از عناصر مهم در فهم یک متن، دانستن پیش‌فرض‌ها، دانستن شرایط کلی برهه تاریخی و تصویر مکمل از عقاید و پیش‌فرض‌های شخص مورد نظر است. گویی امام بخاری برای فهم بهتر روایت‌های نقل قول شده در علم حدیث، سال‌ها قبل به گونه شرح‌تر شرایط مورد بحث این روش را در نظر گرفته است.

متفکرین این سرزمین در عرصه‌های مختلف تفکر دینی نقش بسزای داشتند. نمونه بزرگ دیگر آن مفسر، متکلم و محدث بزرگ حنفی، ابو حفص نج‌الدین عمر بن محمد نسفی (۱۰۶۷–۱۱۴۲) مولف تفسیر نسفی است. او در شهر نسف که اکنون قرشی خوانده می‌شود، زنده‌گی می‌کرد. تفسیر نسفی، کهن‌ترین تفسیر قرآن به زبان فارسی موزون و سومین کهن‌ترین تفسیر کامل قرآن می‌باشد. او بیش‌تر از ۱۰۰ کتاب تألیف نموده که تمامی آن از اهمیت خاصی برخوردار است. مثلاً «التیسیر فی التفسیر» او در این اواخر (۲۰۱۹) در ۱۹ جلد توسط مرکز تحقیقاتی داراللباب در ترکیه به چاپ رسید. از آثار مشهور دیگر او می‌توان از «عقاید النسفی» و «القدرنی ذکر علماء سمرقند» نام برد. این تألیفات بنیاد تفکر حنفی را تشکیل می‌دهد که با تفکر افراطی سر آشتی ندارد. نسفی، فارسی زبان بود اما بیش‌ترین اثرات او به زبان عربی نگاهشته

اساسی‌ترین تعلیم این مکتب می‌باشد. مکاتب مختلف تصوف معمولاً محکوم به دو نقد است: نخست، کم‌توجهی به امر شریعت و دوم، روی‌کرد فکری که انسان در آن منتهی به ترک دنیا می‌شود.

تأکید جدی در این تفکر به فراگرفتن هنر و مسلک مستقل شده که از یک‌سو سبب امرار معاش می‌شود و از سوی دیگر وابسته‌گی مالی بین مرید و مرشد و بین مرشد و مردم را از بین می‌برد. به اصطلاح امروز، این را می‌توان عین روشن‌فکر دینی یا سکولاریسم دینی خواند. وابسته‌نبودن متولیان دینی از نقطه نظر معاش به مردم و مرید که در امر رهنمای دینی و اخلاقی وظیفه دارند، کمک می‌کند تا حقایق را آن‌چنان که هست، بیان کنند. از همین‌رو است که در این تفکر اصرار رفته تا از ترک دنیا دوری باید جست، در عوض هر فرد مکلف است تا حرفه‌ای یاد بگیرد و یا هم وارد میدان سیاست شود و از آن طرق امرار حیات کند و یا هم زمینه بهتر زنده‌گی کردن برای دیگران را از طریق اصلاح جامعه فراهم کند. آن‌چنان که معلوم است خود بهاوالدین، حکاکی (نقشبندی) بلد بود و امیر کلال (۱۲۷۷–۱۳۷۰) یکی دیگر از بزرگان به حرفه کوزه‌گری مشغول بود.

تأکید دیگر نقشبندی همیشه آن بوده است که بزرگان و پیروان این فرقه احکام فقهی – حنفی را بیاموزند و از خرافات دوری جویند. در این جهت تلاش برای این شده است که آموزه‌های عرفان اسلامی با مفاهیم فقهی و در کل شرع هم‌خوان باشد.

در اصول تفکر نقشبندی، توجه بیش‌تر به اصلاح امور شرعی و کم‌نمودن فاصله بین آموزه‌های شرعی و تصوف شده است که در این تقابل تفکر خشک فقهی عمق بیش‌تر پیدا می‌کند و از ظاهرنگری یا روایت‌نگری کماکان رهایی می‌یابد. به نظر شیخ احمد سرهندی، مشهور به مجدد الف ثانی (۱۵۶۴–۱۶۲۴) یکی دیگر از علمای نقشبندی، طریقت از شریعت جدا نیست و شریعت چند ظرفیتی است. به عقیده او طریقه‌ها درآمدی است برای فهمیدن مفاهیم عمیق دینی و درست انجام‌دادن احکام شرعی مانند نماز خواندن، روزه‌گرفتن و احترام به حدود. به طور نمونه، ادعاهای عجیب و غریب در مورد اندیشه توحید وجودی ابن عربی توسط مریدان و شاگردان او، شیخ احمد سرهندی را واداشت تا به نقد وجودشناسی مکتب ابن عربی و در کل به نقد مفهوم وحدة الوجود درعرفان اسلامی بپردازد. در عوض او نظریه توحید شهودی را مطرح کرد که به تشریح رابطه خالق و مخلوق می‌پردازد. این نظریه اختلاف نظر کلامی و فقهی و عرفانی را تا جایی حل می‌کند.

این دو ویژه‌گی سبب شد تا تصوف و عرفان وارد زنده‌گی عامه مردم شود و از خاص‌بودن بیرون آید. از همین‌رو است که فرقه‌های مختلف نقشبندی در ادوار مختلف تاریخ نقش بسزای بازی کرده‌اند. از جمله می‌شود از نقش سرهندی در دوران حکومت مغول‌ها در هند و فرقه نقشبندی – خالدی و حرکت فتح‌الله گلن در امپراطوری عثمانی‌ها و سیاست ترکیه مدرن یاد کرد.

به همین منوال در گذشته محدثینی هم‌چون حافظ ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بخاری (۸۱۰–۸۷۰) که کتاب او

◆ **داکتر لطف‌الرحمن رحیمی، استاد دانشگاه**

شهرهای سمرقند، بخارا و نسف از جایگاه خاصی در میان مسلمانان برخوردار است. این جایگاه در میان مسلمانان فارسی زبان خاص‌تر می شود. متفکرین زیادی در دل این سرزمین پرورش یافته و یا هم در دل آن خوابیده‌اند.

در این روزها، سفری داشتم به این سه شهر. برایم احساس دوگانه‌ای دست داده بود؛ احساس آشنایی دیرینه و در عین حال احساس غربت. فکر می‌کردم پاره گم‌شده‌ای از تن خویش را یافته‌ام که دیگر مرا با آن و او را با من سر آشنایی کم شده است. در لمس‌کردن خاک کوهش، سنگ دریايش و خنک نسیم صبح‌گاهی‌اش، بوی دلبر دیرینه آشنایی می‌آمد که گویی سال‌ها در انتظار رسیدن به هم بودیم.

در عین حال، احساس کردم که این سرزمین‌ها اشباح بی‌روحي است که در آن از تفکر مواج که سبب شور و شعف در عالم شده بود، خبری نیست و آهسته آهسته مبدل شده است به تن بی‌روحي که دیدن آن سبب یأس و حزن می‌شد. شاید روح مایوس این سرزمین در بالا و یا هم در پایین مانند من از دیدن تن بی‌جان او خسته و پژمرده و حیران‌حال بود. در این مقاله، مطالب ذیل را به بحث خواهیم گرفت: نخست تفکر عرفانی بخارایی نه تنها در انکشاف و سیر تفکر عرفانی تأثیر بسزایی داشته، بلکه در سیاست‌گذاری و زنده‌گی روزمره نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. مکتب نقشبندی در این شهر به میان آمده و ارکان اصلی آن توسط بزرگان این شهر ریخته شده است. بین سده‌های هژده و نوزده در هند مغولی و در ترکیه عثمانی و امروزی، این تفکر نقش قابل ملاحظه‌ای در عرصه سیاست نیز داشته است.

دو، این سرزمین مهد پرورش بزرگ‌ترین علمای فارسی زبان بوده است که در تدوین تفکر دینی، زدودن خشونت و تفکر تجرگ‌را نقش مرکزی داشته‌اند. از آن جمله می‌توان از اسمعیل بخاری، ابو منصور ماتریدی، حکیم ابو القاسم سمرقندی، ابو الحسن تېزوی، ابو معین نسفی، و ابو حفص عمر نسفی نامبرد.

در این مقاله استدلال خواهیم کرد که برای رهایی از افراطیت و تفکر خشک و خنک روایت‌نگر حاکم نیاز به احیای تفکر دینی بخارایی و سمرقندی و نسفی است. برای دست‌یافتن به تفکر سالم دینی و بازگشت به اصل، نیازمند از بین‌بردن انفصال جسمی و جانی، فیزیکی و متافیزیکی هستیم که در بین شهرهای کهن خراسان زمین حاکم است.

حدود صد سال قبل (۱۹۲۰)، پرچم امارتی به زمین افتاد که شامل سه کشور کنونی تاجیکستان، اوزبیکستان و ترکمنستان می‌شد. بخارا، نسف و سمرقند از گذشته‌های دور دل و جان این منطقه بود.

عرفای بزرگی در این سرزمین گام گذاشته‌اند. از قطار مکاتب عرفانی می‌توان از فرقه خواجه‌گان و نقشبندی یاد کرد که در احیای تفکر عرفانی نقش مهمی داشتند و از اساسی‌ترین اصول آن رد تفکر ترک دنیا هست. از هفت پیر بخارا که همه مربوط به این طریقه‌اند، از بنیان‌گذارانی مانند خواجه عبدالحق عجدوانی (۱۱۰۳–۱۱۷۹) و محمد بهاء‌الدین نقشبند بخاری (۱۳۱۸–۱۳۸۹) می‌توان نام برد. آرام‌گاه این دو بزرگ نیز در شهر بخارا است.

نقشبندی یکی از بزرگ‌ترین مکاتب عرفانی اسلامی است که سیطره‌ای آن در ماورالنهر تولد و گستره‌ای تأثیر آن تا نیم‌قاره هند مغولی و ترکیه عثمانی می‌رسد. «خلوت در انجمن، به ظاهر با خلق و به باطن با حق، سبحانه و تعالی» از





داکتر عبدالعلی محمدی  
بخش سوم

# ساختار سیاسی پساصلح

در قسمت پیشین، مکانیسم روابط قوا در قانون اساسی افغانستان مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت و در این قسمت، این موضوع مورد ارزیابی خواهد بود که روابط قوا و در کل ساختار سیاسی نیازمند چه اصلاحات و تغییراتی است تا به عنوان عامل مهم در مرحله تثبیت صلح، مورد توجه قرار بگیرد و در تدوین سند تأسیس نظام پساصلح گنجانده شود.

## ۱. ارزیابی روابط قوا

از آن چه بیان شد، به این نتیجه می‌رسیم که: ۱. سازمان دولت (نظام سیاسی) افغانستان با توجه به سازوکار روابط سازمان‌های تابع (قوای سه‌گانه)، در کنار برجسته‌گی و تفوق ویژه‌گی ریاستی، از برخی خصوصیات پارلمانی هم برخوردار است. بنابراین در نگاه اول چنین به نظر می‌آید که روابط قوا در قانون اساسی افغانستان، تابع نظریه تفکیک نسبی؛ هرچند با برتری قوه اجرایی است. به بیان دیگر، قانون اساسی افغانستان با تعریف موقعیت متمایز و صلاحیت نسبتاً وسیع برای رئیس جمهور، مکانیسم روابط قوا را به گونه‌ای سامان داده است که ضمن داشتن قدرت و سرعت عمل، از اطمینان و سلامت بیش‌تری برخوردار باشد؛ از یک سو با تعریف نظام ریاستی و سپردن زمام امور قوه اجرایی به دست رئیس جمهور، توان تصمیم‌گیری و اجرا در این قوه را بالا برده است و از سوی دیگر، با تبعیت از نظریه هم‌کاری قوا، اهرم‌های نظارتی بالقوه نیرومندی را بر عمل‌کرد شاخه اجرایی وضع کرده و با تقویت موفق شورای ملی بر آن است که تعادل لازم را میان قوای سه‌گانه فراهم کند.

۲. با دقت و درنگ در سازوکار روابط قوا در نظام حقوق اساسی افغانستان از یک سو و تعامل و تقابل میان قوا در عرصه عمل از سوی دیگر، به این جمع‌بندی می‌رسیم که تفکیک قوا در عمل با تفکیک قوا در تجویزهای حقوقی و نظریات پشتیبان فرسنگ‌ها فاصله دارد. به بیان دیگر، نظر به مشاهدات عینی و داده‌های موجود از تعامل و تقابل قوا، به‌ویژه مجریه و مقننه، چنین فهم می‌گردد که به لحاظ ساختاری دو مسأله مشکل‌آفرین و عامل تقابل دانسته می‌شود: یکی سازوکار نیمه‌پارلمانی تعبیه‌شده در روابط آن دو قوه و دیگری تغییر تدریجی ساختار ریاستی در عمل به ریاست‌گرایی.

قانون اساسی در آغاز با روی‌کرد ریاستی و تمرکز بر الگوی امریکایی در تعریف ساختار سیاسی تدوین شد؛ اما همان‌گونه که توضیح داده شد به دلیل ملاحظات عمدتاً غیرعلمی و نظر به مطالبات سیاسی و اجتماعی، الگوی اروپایی و سازوکارهای نیمه‌پارلمانی هم در جریان تدوین و تصویب قانون اساسی، مطرح و رایج شد. افزون بر آن، نظام ریاستی در افغانستان همانند کشورهای امریکای لاتین که همه‌گی از قانون اساسی ایالات متحده الهام گرفته بودند، در حال تغییر ماهیت از ریاستی به «ریاست‌گرایی» است؛ یعنی در اثر این گرایش، رئیس جمهور به تدریج بر پارلمان تسلط می‌یابد و رژیم به سوی نیمه‌دیکتاتوری سوق داده می‌شود.

۳. در این میان اما مهم‌ترین مسأله، تعریف حکومت به عنوان یک هیأت جمعی با ریاست رئیس جمهور است. این وضعیت، در حالی که از یک سو مانع پیش‌بینی صریح و واضح مسوولیت جمعی حکومت در برابر پارلمان محسوب می‌شود، از سوی دیگر موجب طرح مسوولیت فردی اعضای حکومت نزد شورای ملی شده است. این‌گونه سازوکار در روابط حکومت و شورای ملی، همواره تنش‌زا بوده و در اثر تقابل میان قوای مجریه و مقننه، مشکلات جدی دامن‌گیر جامعه و کشور

شده و چه بسا بر قوه قضائیه نیز اثر نهاده است. در نهایت، تفکیک قوا در نظام حقوق اساسی افغانستان، به خصوص به دلیل تجویز و برپایی ساختارهای متمرکز، در معرض آسیب جدی قرار دارد. ۴. افزون بر همه، نشانه‌های آشکاری بر عدم تعادل قوا در تجویزهای قانون اساسی و نیز در رویه و رفتار مقامات و نهادهای فرمان‌روا دیده می‌شود؛ صلاحیت حکومت در ترتیب و صدور فرمان تقنینی و اعتبار آن تا زمان رد نشدن از سوی شورای ملی، در عمل زمام قانون‌گذاری را به دست قوه مجریه سپرده است. به همین ترتیب، دست باز حکومت در وضع مقررات، اختیار کامل و گاه انحصاری در ترتیب و رایج طرح قانون، فرصت مخالفت با مصوبات شورای ملی و صلاحیت وتوی تعلیقی نسبت به آن‌ها و مهم‌تر از همه اختیار ویژه یا قدرت صوابدید فرمان‌روا از عوامل اصلی و بنیادینی است که وزنه روابط میان قوا را به نفع قوه مجریه بسیار سنگین می‌کند و در عمل جایی برای مانور و اعمال نظر قوه مقننه باقی نمی‌ماند.

## ۲. اصلاحات در روابط قوا

بدون تردید، آمیخته‌گی ساختاری موجب شده است تا علاوه بر مشکلاتی از بابت ناکارآمدی، تنش‌ها و دشواری‌هایی در روابط قوا، به‌ویژه مقننه و مجریه نیز پدید آید که به شدت نهادمندی و ترتیبات نهادی را در کشور با خطر مواجه می‌کند. به این دلیل برای رهایی از چالش‌ها و موانع موجود در این عرصه، اصلاحات و تغییرات آتی، به‌ویژه در تدوین قانون اساسی پساصلح، ضروری و اجتناب‌ناپذیر دانسته می‌شود.

## الف. بازنگری در سازوکار مسوولیت حکومت

هرچند نظم ساختاری دولت افغانستان آمیزه‌ای از دو الگوی متفاوت، هرچند در ظاهر با برتری سبک امریکایی است؛ اما یکی از مباحث بنیادی و در عین حال مشکل‌آفرین، سازوکار مسوولیت (پاسخ‌گویی) حکومت به مثابه بالاترین ارگان اجرایی دولت در این نظم است.

فصل چهارم قانون اساسی افغانستان به «حکومت» اختصاص دارد و در نگاه نخست چنین به نظر می‌رسد که حکومت یک هیأت جمعی و دارای وظایف و مسوولیت‌های گروهی است. پیشینه تاریخی حکومت در افغانستان نیز این برداشت را تأیید می‌کند؛ چنان‌که نظام‌نامه اساسی دولت علیه افغانستان (۱۳۰۱) به مثابه نخستین قانون اساسی مدون در بخش سوم، وظیفه اداره حکومت را به هیأت وزرا و اداره مستقله موقوف دانسته، حین اجتماع «هیأت وزرا» ریاست مجلس را برعهده پادشاه و در غیاب ایشان به دوش صدراعظم نهاده بود. به همین منوال، اصول اساسی دولت علیه افغانستان (۱۳۱۰) در بخش هفتم با عنوان «حقوق و وظایف وزرا» اداره امور اجرایی مملکت را وظیفه وزرا دانسته، ریاست «هیأت وزرا» را به صدراعظم واگذار کرده بود.

هم‌چنان‌که مشاهده می‌شود، تعریف هویت و مسوولیت جمعی برای حکومت زمانی صورت گرفت که نظام سیاسی افغانستان، پادشاهی مطلقه بود. به طور طبیعی، بعد از برقراری مشروطه، هویت و مسوولیت جمعی حکومت در پرتو اصول واضح مشروطیت، از وضوح کامل برخوردار شد. بر این مبنا، حکومت به عنوان یک هیأت جمعی متشکل از صدراعظم و وزرا و با ریاست صدراعظم، نزد پارلمان مسوول شناخته شد.

به این ترتیب، در یک جمع‌بندی کوتاه به این نتیجه می‌رسیم که حکومت به مثابه بالاترین ارگان اجرایی



## بدون تردید، آمیخته‌گی ساختاری موجب شده است تا علاوه بر مشکلاتی از بابت ناکارآمدی، تنش‌ها و دشواری‌هایی در روابط قوا، به‌ویژه مقننه و مجریه نیز پدید آید که به شدت نهادمندی و ترتیبات نهادی را در کشور با خطر مواجه می‌کند. به این دلیل برای رهایی از چالش‌ها و موانع موجود در این عرصه، اصلاحات و تغییرات آتی، به‌ویژه در تدوین قانون اساسی پساصلح، ضروری و اجتناب‌ناپذیر دانسته می‌شود.

دولت، در تمام مقاطع تاریخی افغانستان دارای هیأت و مسوولیت جمعی و در عین حال، اعضای آن دارای مسوولیت فردی نسبت به وظایف و اختیارات‌شان بوده‌اند. اما در قانون اساسی فعلی (۱۳۸۲) برخلاف رویه معمول در گذشته، به لحاظ ساختاری تغییری روی داد که از برخی جهات همانند دولت مستعجل محمد داوود است؛ رژیم تحت فرمان محمد داوود که با کودتای ۱۳۵۲/۴/۲۶ در برابر نظام مشروطه شکل گرفت، نظام سیاسی تک‌حزبی را بنا نهاد که ادعا داشت با سازوکار جمهوریت و دموکراسی توده‌ای، کسب مشروعیت می‌کند.

در همین راستا، متنی با نام قانون اساسی تدوین و به تاریخ ۱۳۵۵/۱۱/۲۵ توسط لویه‌جرگه تصویب شد و یک نظام سیاسی تک‌حزبی را بنا نهاد که در آن از تفکیک قوا هیچ نشان و اثری دیده نمی‌شد و تمام اختیار و اقتدار به دست رئیس جمهور قرار داشت؛ رئیس جمهور علاوه بر این‌که رئیس دولت بود، ریاست حکومت و صلاحیت تعیین وزرا، اعضای محکمه عالی و تمام مقامات بلندرتبه دولتی را نیز در اختیار داشت. قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان (۱۳۸۲) نیز ساختار متمایزی را تعریف و رایج کرده که در آن ریاست حکومت و ریاست دولت (هر دو) به طور هم‌زمان در اختیار رئیس جمهور است.

به نظر می‌رسد که قانون اساسی در این خصوص، گرفتار پارادوکس حل‌نشده‌ای است؛ از یک طرف با پیش‌بینی وظایف و صلاحیت‌های اجرایی، سیاست‌گذاری و تقنینی برای حکومت، آن‌را یک هیأت جمعی تعریف و منظور می‌نماید؛ اما از سوی دیگر، با سپردن ریاست حکومت به رئیس جمهور به عنوان رئیس دولت، مسوولیت جمعی آن‌را نادیده می‌گیرد.

در نتیجه، مطابق قانون اساسی، حکومت به عنوان بزرگ‌ترین سازمان اجرایی دولت، وظایفی دارد، اما مسوولیتی ندارد؛ در حالی که وزیر به عنوان عضو حکومت، نسبت به وظایف مشخصی در چارچوب وزارت‌خانه مربوطه که بخشی از سازمان حکومت است، دارای مسوولیت می‌باشد. با این ترتیب، شورای ملی و به طور خاص ولسی‌جرگه، به جای یک هیأت جمعی مسوول و دارای برنامه با افرادی پراکنده و فاقد برنامه رویه‌رو است و از این‌رو، امکان رسیده‌گی و نظارت بر بخش اجرایی دولت به صورت درست و منطقی فراهم نخواهد شد. به بیان دیگر، رئیس جمهور در آغاز دوره کاری، بدون برنامه مدون و تیم کاری برای تحقق آن، تنها با تعدادی از افراد به عنوان هم‌کاران پیشنهادی برای وزارت‌خانه‌های مختلف به ولسی‌جرگه می‌رود تا برای حکومت خود کسب مشروعیت کند. در مقابل، ولسی‌جرگه هم نمی‌داند چه کسی را برای تحقق چه چیزی تأیید کند و به او رأی اعتماد می‌دهد. این وضعیت، روند نظارت پارلمانی و مسوولیت‌خواهی از اعضای حکومت را نیز تحت تأثیر قرار داده، بی‌نتیجه می‌سازد.

سرانجام برای رهایی از این مشکل، دو راه‌حل فراروی قرار دارد؛ یا ساختار سیاسی نظام به طور کلی ریاستی شود و هیچ نشانی از الگوی پارلمانی نداشته باشد و یا با تعریف مسوولیت جمعی برای حکومت، راهی برای نیمه‌ریاستی شدن آن گشوده شود و شخص مسوول (مثلاً صدراعظم) در رأس آن قرار گیرد.

## ب. بازنگری در صلاحیت تقنینی حکومت

یکی از مسایل مهم و قابل بحث، برتری قوه اجرایی در نظم ساختاری دولت افغانستان به دلیل توان و دخالت حکومت در تصمیم‌سازی، سیاست‌گذاری و

حتا قانون‌گذاری است. دخالت حکومت در این مسایل و تصمیم‌گیرنده بودن آن، به‌ویژه در افغانستان گذشته از موقعیت متمایز قوه اجرایی در تمام نظام‌های سیاسی، دلایل تاریخی و سیاسی دارد.

با نگاهی به تاریخ حکومت و سیاست در افغانستان، روشن می‌شود که ذهن و ضمیر فرمان‌روایان این مرز و بوم با استبداد و دیکتاتوری سرشته و عجین بوده است. از این‌رو، زمینه و ظرفیت پذیرش کم‌ترین تحولی را نداشتند. به همین ملاحظه، اقدام شاه امان‌الله در تدوین نخستین قانون اساسی و ابتکار محمد ظاهر شاه در برقراری نظام مشروطه، نقطه عطفی در تاریخ حکومت و سیاست در افغانستان شمرده می‌شود که آثار ماندگاری بر جای نهادند و مسیر جدیدی به روی جامعه افغانی گشودند. چنان‌که نظام کنونی با آن‌که وارث واگرایی‌های گذشته و ویرانی‌های جنگ بیست‌وسه‌ساله می‌باشد، پا جای پای نظام مشروطه نهاده و با استفاده از فضای جدید، زمینه بیش‌تری برای تحقق دموکراسی و آزادی فراهم گردانیده است.

داده‌های تاریخی نشان می‌دهد که نخستین گام برای تفکیک قوا در نخستین قانون اساسی در زمان امان‌الله برداشته شد که با تشکیل نخستین شورای ملی در زمان نادر به عملیاتی‌شدن و با برقراری نظام مشروطه در زمان محمد ظاهر به مرحله کمال نزدیک شد و به تدریج تفکیک قوا به عنوان یک اصل بنیادین مورد پذیرش قرار گرفت؛ اما بنا به دلایلی، نهادمندی حاکمیت و احترام قوای حاکم به حوزه صلاحیت و اقتدار یک‌دیگر، هنوز یک مسأله جدی است؛ یعنی تعادل در نظام حقوق اساسی افغانستان، هنوز یک مسأله حل نشده باقی مانده و با وجود تغییرات قابل توجه در عرصه سیاست و حکومت، این معضل هم‌چنان پابرجا است.

قانون اساسی موجود افغانستان هم در حل این معضل موفق نیست و از این زاویه نسخه نه چندان متفاوتی از قانون اساسی مشروطه شمرده می‌شود. به نظر می‌رسد که تأثیرپذیری از قانون اساسی مشروطه از یک طرف، طرح الگوی اروپایی در تعریف ساختار سیاسی از سوی برخی حلقات و گروه‌های سیاسی و حمایت آن از سوی برخی کشورهای بیرونی از طرف دیگر در جریان تدوین و تصویب قانون اساسی، عامل مهمی برای پیدایش یک انگیزه پنهان با هدف تقویت حکومت به مثابه یک ارگان تصمیم‌گیرنده و تصمیم‌ساز به شمار می‌رود.

به تعبیر دیگر، دو نگرش متضاد در رابطه با ساختار سیاسی دولت، به‌ویژه در تنظیم روابط قوای مجریه و مقننه، برای دارنده‌گان نگرش‌های یادشده انگیزه می‌آفرید تا هرکدام با استفاده از فرصت و با توسل به هرگونه سازوکاری، تحقق منویات و خواست‌های‌شان را دنبال کنند. از این جهت، یکی به تقویت سازوکارهای پارلمانی می‌اندیشید و دیگری بر استحکام سازوکارهای ریاستی و تثبیت موقف برتر قوه اجرایی. همین دوگانه‌نگری در جریان تطبیق، طی نزدیک به دو دهه اخیر در روابط این دو نهاد سیاسی نیز مشهود و گرایش به تعیین‌کننده بودن رئیس جمهور در تمام مسایل محفوظ بود؛ گرایشی که اگر مهار نشود، ممکن است در نهایت به دیکتاتوری بینجامد.

به همین ملاحظه و با عنایت به هدف اساسی که دستیابی به ترتیبات نهادی و ایجاد تعادل در ساختار سیاسی است، بایستی حکومت یا قوه اجرایی به عنوان یک نهاد سیاسی از دست‌درازی به عرصه قانون‌گذاری خودداری کند. به این منظور، ایجاب می‌کند که صلاحیت حکومت در ترتیب و صدور فرمان تقنینی مطابق ماده هفتادونهم، سلب و ابتکار عمل حکومت در رایج طرح قانون (لایحه) بر بنیاد فراز نخست ماده نودوپنجم قانون اساسی، به سازوکار تعامل و هم‌کاری قوای مجریه و مقننه مبدل شود. در این صورت، شورای ملی به عنوان نهاد اصلی قانون‌گذاری و حکومت به مثابه نهاد اصلی اجرایی و هر دو به عنوان دو بازوی دولت و هم‌کار هم‌دیگر عمل می‌کنند. در غیر آن، دخالت و دست‌درازی در حریم و صلاحیت یک‌دیگر نه تنها باعث ناکارآمدی قوا و مجموعه نظام سیاسی، بلکه عامل از بین‌رفتن زمینه‌های شکل‌گیری ترتیبات نهادی و عدم تعادل در روابط قوا نیز خواهد شد.

ادامه دارد...

دیر بخش ویدیو: دیر بخش ویدیو: خیرنگاران: محمد نصیر کاوشگر، عبدالاحمد حسینی، محمدحسین نیک‌خواه، خلیل رسولی، هما همتا، الیاس طاهری، زهرا عطایی، احمدشاه شاداب، حفیظ علی خیل، توفان عمری، شعب حکیمی، پرویز کامروز، علی نظری، اسحق علی احساس، رضا مرادی، ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰ - ۰۷۸۷۸۷۸۷۹۹ Shaparsepehr@gmail.com

ویراستاران: صفحه آرایی: پذیرش اعلان: نشانی پستی: نشانی دفتر کابل: ۸صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده دیدگاه ۸صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

سناجر سهیل: sanjarsohail@yahoo.com  
محبیب مهرداد: mujib\_mehrdad@yahoo.com  
خلیل اسیر: 8am.daily@gmail.com  
حسین بهش: حسین بهش  
علی شاه حقمیل: علی شاه حقمیل  
آسیه حمزه‌ای: آسیه حمزه‌ای  
دیر رسانه‌های اجتماعی: نورعلی فرحت

صاحب امتیاز: مدیرمسئول: سردبیر: دیر گزارش‌ها: دیر بخش خبر: دیر بخش صلح: دیر رسانه‌های اجتماعی: نورعلی فرحت

Publisher: Sanjar Sohail, sanjarsohail@yahoo.com  
Editor-in-Chief: Mujib Mehrdad, mujib\_mehrdad@yahoo.com  
Facebook.com/8am.af  
Youtube.com/HashteSubhdaily  
Twitter.com/@Hashtesubhdaily  
instagram.com/8am.af\_official  
www.8am.af

## هشدار فرمانده اسرائیلی به ایران همزمان با نزدیک شدن زیردریایی اسرائیل به خلیج فارس

رییس ستاد ارتش اسرائیل شامگاه دوشنبه، اول جدی، به ایران هشدار داد که اگر خود یا گروه‌های متحدش در منطقه به اقدامی علیه اسرائیل دست بزنند، بهای سنگینی خواهند پرداخت.

آویو کوخاوی گفت: «اوضاع را واضح و به صراحت برای دشمنان توصیف می‌کنم؛ پاسخ ما و تمام برنامه‌ها آماده و تمرین شده است.»

رسانه‌های اسرائیل سخنان جنرال کوخاوی را «پیام تهدید غیرعادی به ایران» توصیف کردند. هم‌زمان اعلام شد که یک زیردریایی اسرائیلی در حال نزدیک شدن به آب‌های خلیج فارس است.

این تحولات در حالی است که جرد کوشنر، داماد و مشاور ارشد دونالد ترامپ، در صدر یک هیات امریکایی برای مذاکرات با بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، به اورشلیم رسیده است. به نقل از رادیو فردا و به گزارش رسانه‌های اسرائیلی، رییس ستاد ارتش این کشور شامگاه دوشنبه گفت: «به تازه‌گی از افزایش تهدیدهای ایران علیه اسرائیل شنیده‌ایم؛ اگر ایران و شریکانش... اقدامی علیه اسرائیل انجام دهند، آن‌ها خواهند فهمید که بهای سنگینی خواهند پرداخت.»

جنرال کوخاوی اظهار داشت: «ارتش اسرائیل به هر عاملی که از نزدیک یا دور، در اقدام علیه اسرائیل یا اهداف اسرائیلی دخیل باشد، حمله خواهد کرد.»

رسانه‌های اسرائیل یادآور شده‌اند که اظهارات رییس ستاد ارتش کشورشان به فاصله سه روز از دیدار جنرال مارک میلی، رییس ستاد نیروهای مسلح امریکا از اسرائیل بیان شده و با مذاکرات مطرح شده میان مقام‌های اسرائیلی در دیدارهای شان با جنرال میلی مرتبط است.

شبکه تلویزیونی کان اسرائیل نیز دوشنبه‌شب گزارش داد که یک زیردریایی ارتش اسرائیل با هدف «هشدار دادن به ایران»، یکشنبه، ۳۰ قوس، از آبراه سویز گذشته و به صورت علنی در راه خلیج فارس است.

سختگوی ارتش اسرائیل از پاسخ به پرسش خبرنگاران اسرائیلی در این باره خودداری کرده و گفته است که ارتش «به این نوع گزارش‌ها واکنش نشان نمی‌دهد.»

اما شبکه کان به نقل از «مقام‌های عربی»، بدون بردن نام آن‌ها، مدعی شده که مصر از این امر آگاه شده و مجوز داده است. از واکنش مصر به ادعای این شبکه اسرائیلی، خبری منتشر نشده است. اما شبکه کان گفته است که ناو اسرائیلی «در اوج یک مقطع زمانی متشنج» و پس از ترور محسن فخری‌زاده، به سوی آب‌های نزدیک ایران به حرکت درآمده است.

براساس برخی گزارش‌های تایید نشده جهانی، ناوهای اسرائیلی دارای توان ضربه هسته‌ای هستند.

ساعتی پیش از هشدار تند رییس ستاد ارتش اسرائیل به ایران و گزارش شبکه کان در مورد حرکت ناو اسرائیلی به سوی خلیج فارس، نیروی دریایی امریکا نیز روز دوشنبه اعلام کرد که زیردریایی هسته‌ای «یواس اس جورجیا» همراه دو رزم‌ناو امریکایی با عبور از آبراه هرمز، وارد خلیج فارس شد.

جنرال کنت مک‌کنزی، فرمانده نیروهای امریکا در خاورمیانه، سنتکام، یکشنبه‌شب گفته بود که اگر ایران در سال‌گرد کشته شدن قاسم سلیمانی، فرمانده پیشین نیروی قدس سپاه پاسداران، دست به حمله‌ای بزند، امریکا آماده نشان دادن واکنش است.

مایک پمپئو، وزیر خارجه امریکا، نیز یکشنبه‌شب به ایران نسبت به تحركات گروه‌های متحد آن در عراق «هشدار» داده بود.

گزارشگران رسانه‌های اسرائیل گفته‌اند که آخرین هفته‌های دولت دونالد ترامپ هنوز ممکن است با وقوع رویدادهای مهم در منطقه همراه باشد.

روزنامه گاردین نیز روز ۳۰ قوس به نقل از سه منبع، شامل دو مقام ارشد حزب‌الله، نوشته بود که این سازمان لبنانی، ارزیابی کرده که آخرین هفته‌های کار دونالد ترامپ ممکن است با حمله‌ای از سوی امریکا برای زدن یک ضربه کاری به حزب‌الله همراه باشد.

حزب‌الله حذف حسن نصرالله، دبیر کل خود را به عنوان هدف چنین حمله احتمالی ارزیابی کرده، اما گفته است که جای او «امن» است.

## امریکا زیردریایی هسته‌ای خود را وارد تنگه هرمز کرد

است که انتقام این اقدام امریکا را خواهد گرفت. نیروی دریایی امریکا می‌گوید که هدف از حضور زیردریایی جورجیا در آب‌های منطقه، نشان دادن «تعهد» این کشور به «شرکای منطقه‌ای و امنیت دریایی» است. امریکا اعلام کرده که هم‌چنین می‌خواهد با این اقدام آماده‌گی خود در «دفاع علیه هر تهدیدی در هر زمانی» را نشان دهد.

«یواس اس جورجیا» مسلح به ۱۵۴ موشک کروز تاماهاوک است و می‌تواند ۶۶ نیروی عملیاتی ویژه را در خود جا دهد.

در اوایل ماه جاری (دسامبر) نیز دو بمبافکن امریکا در مأموریتی که ایالات متحده آن را «پیامی بازدارنده به ایران» نامید، وارد آسمان منطقه شده و از نزدیکی آسمان ایران عبور کردند.

نمایش قدرت نظامی امریکا می‌تواند پیامی به ایران باشد؛ یعنی ایالات متحده با وجود این‌که به دستور دونالد ترامپ، رییس‌جمهور این کشور، در صدد کاهش حضور نظامی‌اش در عراق و افغانستان است، هم‌چنان به تعهدش به خاور میانه پای‌بند می‌ماند.

ناوگان پنجم نیروی دریایی امریکا مسوولیت حفاظت از منافع این کشور در آب‌هایی به وسعت دوونیم میلیون مایل مربع (شش‌ونیم میلیون کیلومتر مربع)، شامل خلیج فارس، دریای سرخ، خلیج عمان و قسمت‌هایی از اقیانوس هند را برعهده دارد.

دو هفته پیش از سال‌روز کشته شدن قاسم سلیمانی، امریکا زیردریایی هسته‌ای مجهز جورجیا را وارد تنگه هرمز کرده است. هدف از اعزام این زیردریایی، نشان دادن تعهد امریکا به شرکای منطقه‌ای‌اش نامیده شده است.

نیروی دریایی ایالات متحده در بیانیه‌ای از ورود زیردریایی هسته‌ای خود «یواس اس جورجیا» به آب‌های تنگه استراتژیک هرمز در روز گذشته خبر داد.

به نقل از دوپچه‌وله فارسی و به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، اعلام ورود این زیردریایی که از سوی نیروی دریایی امریکا اقدامی نادر محسوب می‌شود، در حالی انجام می‌گیرد که تنش میان امریکا و ایران تشدید شده است.

ناوگان پنجم نیروی دریایی امریکا مستقر در بحرین گفت، زیردریایی «یواس اس جورجیا» را که از نوع اوهایو است، دو کشتی جنگی همراهی می‌کنند.

این اقدام نامعمول در تنگه هرمز که هدف از آن نمایش توان نظامی امریکا است، بعد از کشته شدن محسن فخری‌زاده، کارشناس اتمی ایران، صورت می‌گیرد که ایران امریکا را نیز «از جمله هم‌دستان حذف فیزیکی او» خوانده است.

این اقدام هم‌چنین دو هفته قبل از فرا رسیدن اولین سال‌روز کشته شدن قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس (واحد برون‌مرزی سپاه پاسداران) در حمله پهپادی امریکا در نزدیکی فرودگاه بغداد انجام شده است. ایران بارها گفته



## اتحادیه اروپا مقررات برای جلوگیری از شیوع نوع جدید ویروس کرونا را توحید می‌کند

در پی مشاهده نوع جدید ویروس کرونا در بریتانیا در هفته گذشته، هلند، بلژیک، فرانسه، آلمان، ایتالیا، بلغارستان و ایرلند مرزهای خود را به روی مسافران از مبدا بریتانیا بستند.

شماری از اتحادیه‌های کارگری فرانسه روز دوشنبه در بیانیه‌ای اعلام کردند که بستن مرزها باعث شده تا شمار زیادی از شهروندان فرانسه‌ای و خارجی در شرایط غیرانسانی در بریتانیا به دام بیفتند.

بوریس جانسون، نخست‌وزیر محافظه‌کار بریتانیا، روز

هم‌زمان با آغاز واکسیناسیون در بسیاری از کشورهای اروپایی، اتحادیه اروپا تلاش می‌کند تا مقررات مبارزه با شیوع گونه جدید ویروس کرونا، که برای نخستین بار در بریتانیا ردگیری شده است را توحید کند.

به گزارش یورو نیوز و به نقل از یک منبع دیپلماتیک در اتحادیه اروپا، هدف از این «وحدت رویه» به ویژه آن است که مسافران و راننده‌گانی که در پی بسته شدن مرزهای اروپایی با بریتانیا در این کشور گرفتار شده‌اند، اجازه بازگشت هماهنگ و تحت نظر داشته باشند.



## شیوع گونه جدید کرونا؛ سازمان بهداشت جهانی: شرایط از کنترل خارج نشده است

به گزارش رادیو فردا، سازمان بهداشت جهانی با افزایش نگرانی‌ها نسبت به شیوع گونه جدیدی از ویروس کرونا در بریتانیا، روز دوشنبه، اول جدی، اعلام کرد که هنوز این ویروس را می‌توان کنترل کرد.

مایک رایان، مدیر امور اضطراری سازمان بهداشت جهانی در یک کنفرانس خبری که در شهر جینوای سوئیس برگزار می‌شد، اظهار داشت: «شرایط به گونه‌ای نیست که از کنترل خارج شده باشد، اما در عین حال نمی‌توان به حال خود واگذار کرد.»

وی سپس از کشورهای جهان خواست که تمهیدات بهداشتی آزموده شده را برای مهار این ویروس به کار ببندند.

براساس برآوردهای سازمان بهداشت جهانی، کسانی که به نوع جدید ویروس کرونا مبتلا می‌شوند، به طور متوسط آن را به ۱.۵ نفر انتقال می‌دهند، حال آن‌که این میزان در مورد ویروس قبلی کرونا ۱.۱ نفر بود.

اما بسیاری از ویروس‌شناسان باور دارند که واکسین‌های بیماری کووید-۱۹ در رابطه با نوع جدید ویروس کرونا نیز موثر است.

اوگور شاهین، رییس شرکت آلمانی بیون‌تک که همراه شرکت امریکایی فایزر واکسین کرونا را ساخته است، به خبرگزاری آلمان گفت که این شرکت واکسین خود را در رابطه با ۲۰ نوع دیگر ویروس کرونا امتحان کرده که نتیجه آن موفقیت‌آمیز بوده است. وی افزود که نوع جدید ویروس جهش قدرت‌مندتری داشته و آزمایش واکسین علیه آن تا دو هفته بعد انجام می‌گیرد.

به گفته سازمان بهداشت جهانی، تاکنون هیچ نشانه‌ای به دست نیامده که نوع جدید ویروس کرونا از نوع قبلی شدیدتر یا کشنده‌تر باشد. با این حال کشورهای اروپایی و برخی دیگر کشورهای جهان از جمله ایران، عربستان سعودی، پاکستان، اسرائیل، آرژانتین، هنگ‌کنگ و کانادا پروازهای بریتانیا را ممنوع کرده‌اند.